

ORIGINAL ARTICLE

The Impact of Media on World Educational Policies in the Post-Postmodern Era

AmirHossein Soltani Fallah ¹ , Mohsen Farmahini Farahani ^{2*}  Akbar Rahnama ³ 

1. PhD Student in Philosophy of Education, Shahed University, Tehran, Iran.
2. Professor of Philosophy of Education, Shahed University, Tehran, Iran.
3. Professor of Philosophy of Education, Shahed University, Tehran, Iran.

Correspondence:

Mohsen Farmahini Farahani

Email: farmahinifar@yahoo.com

Receive Date: 03/Aug/2025

Revise Date: 29/Sep/2025

Accept Date: 27/Nov/2025

Publish Date: 21/Mar/2026

How to cite:

Soltani Fallah, A.H. Farmahini Farahani, M. Rahnama, A (2026). The Impact of Media on World Educational Policies in the Post-Postmodern Era. *Technology and Scholarship in Education*, 6 (1), 20, 31-51. <https://doi.org/10.30473/t-edu.2025.75364.1308>

ABSTRACT

This project purpose to investigate the impact of the media on the educational policies of the world in the era of post-postmodernism as a new paradigm that was born after the postmodern era, and also to express its educational implications. The method of the current research is carried out by descriptive method and concept analysis. Since in the current research, the type of data is non-statistical, so the data collection method is library. The findings of the research show that the post-postmodern was formed in interaction with the postmodern. Perhaps it can be said that in response to this issue, there are different phenomena to be analyzed today, phenomena that postmodern principles are no longer capable of responding to. So postmodern and postpostmodern can co-exist and this means that postmodern is still in motion and has been critiqued. It can be concluded that the common thread of all educational implications of post-postmodernism is based on digital, and the approach of post-postmodernism is trying to abandon traditional education and replace the traditional method with digital-based education and learning. In this research, the education system in the digital age, types of classes in the post-postmodern approach, learning in post-postmodernism, education in the post-postmodern and teaching methods in this approach have been discussed and examined.

KEY WORDS

Post-Postmodernism, Media, Education, World, Politics.

تأثیر رسانه بر سیاست‌های آموزشی دنیا در دوران پسا-پست‌مدرنیسم^۱

امیرحسین سلطانی فلاح^۱ ID، محسن فرمehنی فراهانی*^۲ ID، اکبر رهنما^۳ ID

چکیده

هدف این پژوهش با هدف بررسی تأثیر رسانه بر سیاست‌های آموزشی دنیا در دوران پست-پست‌مدرنیسم به عنوان پارادایم نو که پس از پست‌مدرن متولد شد و همچنین بیان دلالت‌های تربیتی آن صورت گرفته است. روش پژوهش حاضر، به روش توصیفی و تحلیل مفهوم انجام می‌شود. از آنجا که در تحقیق حاضر، نوع داده‌ها غیر آماری است، لذا روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد پسا پست‌مدرن در تعامل با دوره پست‌مدرن شکل گرفته است. شاید بتوان گفت در جواب به این قضیه به وجود آمده که امروز پدیده‌های مختلف و متفاوتی برای تجزیه و تحلیل وجود دارند، پدیده‌هایی که دیگر اصول پست‌مدرن توانایی پاسخ دادن به آنها را ندارند. بنابراین پست‌مدرن و پست پست‌مدرن می‌توانند با هم وجود داشته باشند و این بدان معناست که پست‌مدرن همچنان در حرکت و جریان است مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. می‌توان نتیجه گرفت که فصل مشترک تمامی دلالت‌های تربیتی پست-پست‌مدرنیسم مبتنی بر دیجیتال می‌باشد و رویکرد پست-پست‌مدرنیسم در تلاش است تا آموزش سنتی را کنار گذاشته و آموزش و یادگیری مبتنی بر دیجیتال را جایگزین روش سنتی کند. در این پژوهش به سامانه آموزش در عصر دیجیتال، انواع کلاس در رویکرد پست-پست‌مدرن، یادگیری در پست-پست‌مدرنیسم، آموزش در پست-پست‌مدرن و روش‌های تدریس در این رویکرد پرداخته و بررسی شده است.

واژه‌های کلیدی

پست-پست‌مدرن، رسانه، آموزش، دنیا، سیاست.

۱. دانشجوی دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شاهد، تهران، ایران.
۲. استاد رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شاهد، تهران، ایران.
۳. استاد رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شاهد تهران، ایران.

نویسنده مسئول: محسن فرمehنی فراهانی
رایانامه: farmahinifar@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۱

استناد به این مقاله:

سلطانی فلاح، امیرحسین؛ فرمehنی، فراهانی، محسن و رهنما، اکبر. (۱۴۰۵). تأثیر رسانه بر سیاست‌های آموزشی دنیا در دوران پسا-پست‌مدرنیسم، فصلنامه علمی فناوری و دانش پژوهی در تعلیم و تربیت، ۶(۱)، ۳۱-۵۱.

<https://doi.org/10.30473/t-edu.2025.75364.1308>

^۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان تبیین مبانی فلسفی پست پست مدرن و دلالت‌های تربیتی آن در رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شاهد می باشد

حق انتشار این مستند، متعلق به نویسندگان آن است. © ۱۴۰۵. ناشر این مقاله، دانشگاه پیام نور است.

این مقاله تحت گواهی زیر منتشر شده و هر نوع استفاده غیرتجاری از آن مشروط بر استناد صحیح به مقاله و با رعایت شرایط مندرج در آدرس زیر مجاز است.



مقدمه

در چند دهه اخیر دیدگاه‌های فلسفی و اجتماعی نوینی در آثار متفکران مطرح شده‌است؛ از جمله پست‌مدرنیسم. و اکنون هم به پست پست‌مدرنیسم می‌توان اشاره کرد. این دیدگاه‌ها در قلمروهای مختلفی چون فلسفه، سیاست، فرهنگ و علوم اجتماعی، مسائل و مباحث تازه‌ای را برانگیخته و نگرش‌های جدیدی را در تعلیم و تربیت به وجود آورده‌است. بیست سال پیش، مفهوم "پسامدرن" چیز جدیدی را پیشنهاد کرد. چگونه ممکن است بدانید که پسامدرنیسم مرده‌است؟ ژان فرانسوا لیوتار^۱، نظریه‌پرداز ادبی و فیلسوف پست‌مدرن فرانسوی از پیشگامان نظریه پست‌مدرن بوده است که با انتشار کتاب "وضعیت پست‌مدرن: گزارشی درباره دانش" در سال ۱۹۷۹ به شهرت جهانی رسید. بسیاری از صاحب‌نظران، کتاب مزبور را به‌عنوان نشانگر آغاز جنبش پست‌مدرن تلقی می‌کنند. گفتنی است واژه‌های پست‌مدرن و پست‌مدرنیسم قبل از لیوتار نیز به‌ویژه در عرصه هنر به کار می‌رفتند، ولی کتاب لیوتار این واژه‌ها را به‌عنوان نمودی از یک نظریه اجتماعی و فرهنگی فراگیر مطرح ساخت. (چارلز، ۱۳۷۴). وضعیت پست‌مدرن، استدلال می‌کند که ماهیت و موقعیت دانش تغییر یافته و عصر صنعتی و ایده‌آل‌های روشنگری عقلانیت و پیشرفت مشخص می‌شود به پایان رسیده است و در واقع ما هم اینک در وضعیت جدیدی زندگی می‌کنیم که لیوتار آن را وضعیت پست‌مدرن می‌نامد که در آن فناوری اطلاعات حاکم بوده و بر کارآمدی و ارزش‌های عملکردیانه تأکید می‌شود. ازدست‌رفتن باور به فرا روایت‌ها یا روایت‌های کلان شاخص دیگر دوران کنونی است، یعنی همان روایت‌های مسلط که برای توجیه فعالیت‌ها، نهادها، ارزش‌ها و اشکال فرهنگی به کار می‌روند. علم فقط به یک سری از بازی‌های زبانی تبدیل شده‌است. (کیربی، ۲۰۱۹).

از آنجا که تحلیل رویکرد و فلسفه و مبانی پست-پست‌مدرنیسم، بدون بررسی مدرنیسم امری دشوار است، همه مباحث پست‌مدرنیسم به‌ناچار می‌بایست از توصیف مدرنیسم آغاز گردد. مدرنیسم که برخی آغاز آن را به جنبش رنسانس و برخی به ظهور فیلسوفان عقل‌گرا و برخی به عصر روشنگری نسبت می‌دهند، با ویژگی‌هایی چون خردباوری، انسان‌محوری، آزادی،

اصلات، منابع فردی، مردم‌سالاری، ملی‌گرایی و پیدایش دولت-ملت‌ها و وجود قوانین جهانشمول مشخص می‌شود. بلولاند (۱۹۹۵) مدرنیسم را این گونه توصیف می‌کند: "مدرنیسم مستلزم ایمان به این امر است که قضایای کلی وجود دارند که می‌توانند از طریق عقل کشف گردند، و علم و روش علمی ابزار ممتازی برای دستیابی به حقیقت و زبان به مثابه ابزاری برای نیل به واقعیت می‌باشد. مدرنیسم با حمایت از دموکراسی، وعده آزادی، برابری، عدالت، زندگی خوب و کامیابی داد، و مدعی شد که می‌توان از طریق علم و روش علمی، به اهدافی نظیر سلامتی، ریشه کنی گرسنگی و فقر و جنایت دست‌یافت" (تری، ۱۳۹۱). اما عملاً پس از گذشت دو قرن، مدرنیسم از تحقق بسیاری از آرمان‌ها و اهداف خود عاجز ماند و بر خلاف وعده‌هایی که داده بودند، نتوانست اسباب سعادت بشری را فراهم سازد. البته مدرنیسم به وضوح پیامدهای مثبت بسیاری چون پیشرفت علم و تکنولوژی و بهبود شرایط مادی و رفاه برای برخی جوامع را به‌همراه داشت. اما وجوه منفی آن بسیاری اسفناک بود که از آن جمله می‌توان از دامن زدن به اختلافات طبقاتی، پایمال شدن ارزش‌های انسانی، کشتار گروه‌های اقلیت، سلطه حکومت‌های مستبد و جهان‌خوار و نهایتاً بروز جنگ‌های جهانی نام برد. البته برخی از متفکران دوران‌دیش غربی، سال‌ها پیش از بروز جنگ‌های جهانی بر ملا شده بود. "نیچه و هایدگر" نخستین متفکرانی بودند که در قرن نوزدهم، هر کدام به‌گونه‌ای مفاهیم مدرنیستی را نقد کردند. نیچه با نقد عقل مدرن، عدم اعتقاد به حقیقت غایی و ارزش‌های ذاتی، تأکید بر تفاوت‌ها و تمرکز زدایی، و هایدگر با به چالش خواندن سلطه تکنولوژی بر انسان زمینه ظهور اندیشه پست‌مدرن را فراهم ساختند. اما هیچ‌کدام واژه پست‌مدرن را به کار نبردند. (کاستلو، ویکری، ۲۰۱۷). به‌مرور که پست‌مدرنیسم به چالش کشیده شد پست-پست‌مدرنیسم مطرح گشت. سؤالی که مطرح می‌شود این است که پست پست‌مدرنیسم به چه معناست؟ احتمالاً چند پاسخ متفاوت دریافت خواهید کرد و یا اصلاً پاسخی دریافت نمی‌کنید، به نظر می‌رسد که هر کسی به‌طور فردی مفهوم آن را درک می‌کند، اما افراد کمی به‌طور جمعی در مورد آن به توافق می‌رسند، یعنی هر توصیفی در مورد پست پست‌مدرنیسم تعبیر خاصی است که فرد در ذهن خود آن را درک می‌کند (ماتوکس، ۱۹۹۵). هزاره سوم

به‌طور کلی، پست-پست‌مدرنیسم را جریانی علیه مدرنیسم و انقطاع از پست‌مدرنیسم می‌دانند، در عین حال گروهی پست-پست‌مدرنیسم را به‌عنوان تداوم و تکمیل پست‌مدرنیسم می‌دانند. و این در حالی است که گروهی دیگر پست-پست‌مدرنیسم را تلاشی در راستای پست‌مدرنیسم و جهت یافتن راهی برای خروج از بحرانی‌هایی می‌شمرند که مدرنیسم به جود آورده‌است. بنابراین، پست-پست‌مدرنیسم با زیر سؤال بردن مشروعیت دانش، مرجعیت عقل، محوریت انسان در جهان و طبیعت، حاکمیت اندیشه‌های مسلط، وضع هر گونه نظریه مطلق و اعتقاد به روایت برتر (فرا روایت)، تحولی در افکار جهانیان، به‌خصوص غربیان به وجود آورد و به جنجالی‌ترین مناظره محافل غربی مبدل گردید

مبانی نظری

پسا پست‌مدرن جنبش جدیدی در فلسفه است که طبق آن همه آنچه که در پست‌مدرنیسم فاقد مفهوم بود کنار گذاشته می‌شود، در این جنبش دیگر صحبت کردن مشکلی را حل نمی‌کند، پس وقت اثبات عمل است، در این جنبش باور بر این است که عمر پست‌مدرن پایان یافته است پس باید جنبش جدیدی شروع شود (بیل‌ی باب وود، ۲۰۰۳). پست پست‌مدرن در جستجوی دور انداختن پارامترهای تفکر پست‌مدرن و پاک‌سازی و تصفیه آن از تکیه‌بر مفاهیمی چون اهمیت دادن به محتوی مادی می‌باشد. از نظر برخی پست‌مدرن در پایان نیمه اول قرن بیستم به اوج خود رسید ولی از دهه ۱۹۸۰ به‌بعد علائم شکست در آن ظاهر شد، به‌جای تحقق آرمان‌های پست‌مدرن باید به‌سمت روندی که ماهیتاً بعد جهانی دارند حرکت کرد، از نیمه سال ۱۹۹۰ به‌بعد به‌خاطر خستگی ناشی از رواج آموزه‌های پست مدرنیسم به‌تدریج وارد فضایی شده ایم که به آن پست پست‌مدرن می‌گویند.

سؤال اینجاست، منظور از پست پست‌مدرن چیست؟ سؤال به جایی است به‌ویژه چون جواب مشخصی برای آن نیست. پست پست‌مدرن به‌اندازه مدرنیسم و پست‌مدرنیسم نماینگر بعد فرهنگی نیست، ولی بیشتر یک نشانه است که مشخص می‌کند ما اینجا هستیم، چون فرهنگ از پست‌مدرنیسم فاصله گرفته و به نقطه کنونی که تعریف نشده رسیده است. مطالعات مذهبی یک نگرش جهانی است و چالش‌های مسیحیت که در طول

با یک گذر آغاز شده، گذری برای رهایی از تضادها، گذر از پست‌مدرن به فراسوی آن یعنی پست پست‌مدرن. در اینجا از تعریف جیمسون می‌توان استفاده کرد، او پست را بیان تغییر و تفاوت‌های مهم تعریف می‌کند، بنابراین پست تحول زمانی نیست و در این معنا پست‌مدرنیسم یا پست پست‌مدرنیسم ناشی از تغییر در واقعیت‌ها در ابعاد گوناگون آن است. بدین ترتیب پست پست‌مدرنیسم حرکت به فراسوی پست‌مدرن است اما نه هر حرکتی. پست پست‌مدرنیسم درصدد است به ماورای راه‌های نامطمئن که به‌وسیله پست‌مدرن ایجاد شده، دسترسی پیدا کند. به‌عبارت دیگر پست پست‌مدرنیسم به‌معنای بر فراز پست‌مدرن ایستادن و آن را بازنگری کردن است، یعنی نوعی بازنگری کردن به پست‌مدرنیسم و مرور کردن آن آرمان‌هایی که مطرح شده یا میناهایی که پست‌مدرنیسم بر آنها تکیه داشته تا بتواند به آن آرمان‌ها دست یابد. نظریه پست-پست‌مدرن مختص یک کشور یا یک فرهنگ خاص نیست، بلکه ریشه در اساسی‌ترین استعداد‌های ما به‌عنوان موجود بشری و انسانی دارد. اصول و مبانی پست-پست‌مدرن به‌صورتی نیست که بتوان آن را به‌صورت عملی در عرصه تعلیم و تربیت به کار گرفت بنابراین، مستلزم استنباط اصول مشخص و جزئی‌تری می‌باشد که بتوان روش تدریس و روش تربیت اجتماعی متناظر با آن را به‌دست‌آورد که در تعلیم و تربیت ما به کار گرفته شود، اما این امر در پژوهش‌های قبلی بدین شکل صورت نگرفته است پس یکی از ضروریات در پژوهش حاضر بررسی این اصول و روش‌ها و دلالت‌های آن در تربیت اجتماعی می‌باشد. بعد از خانواده دومین نهادی که در اجتماعی کردن و جامعه‌پذیر کردن افراد نقش اساسی دارد نهاد مدرسه می‌باشد، توسعه توافق و تفاهم اجتماعی، گسترش همبستگی و همکاری، تسریع روند جامعه‌پذیری، جلوگیری از تزلزل هویت جمعی و جلوگیری از گسترش از خودبیگانگی در جامعه، همگی از اهداف تربیت اجتماعی می‌باشند که در مدرسه دنبال می‌شود و بررسی مبانی و اصولی که این اهداف از آنها به‌دست آمده از اهمیت و ضرورت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا اگر تربیت بر مبانی و اصول محکمی بنا نهاده نشود زندگی جمعی و اجتماعی مختل می‌شود، لذا پرداختن به مبانی تربیتی پست-پست‌مدرن و اصول آن از اهمیت بالایی برخوردار است.

تاریخ ریشه دوانده را افزایش خواهد داد. هم مدرنیسم و هم پست مدرنیسم راه را به سمت دنیای پست پست مدرنیسم در حالی که از شادی، شغف، لطافت، قضاوت درست و منطق صحیح بهره مند می شوند هموار می کند (شاهینیان، ۲۰۰۹). در اواخر دهه ۱۹۹۰ این احساس همگانی در فرهنگ و دنیای علم بود که پست مدرنیسم از مد افتاده است. در بررسی نام هایی که ممکن است بتوان برای دوره جدید پس از پست مدرنیسم به کار برد می توان فهمید که پیشوند فرا از جهات خاصی بهتر است، سه ماهه آخر قرن بیستم تحت عنوان پست پیش رفت. که نشان دهنده مرگ مفاهیم مدرنیته از قبیل حقیقت و عینیت روح و ذهنیت آرمان شهر آرمان گرایی منشأ اولیه و اصالت صداقت و غلو در بیان احساسات است، همه این مفاهیم اکنون به صورت فرا ذهنیتی، فرا آرمان گرایی فرا آرمان شهر فرا اصالتی فرا غنایی و فرا احساسات متولد شده اند.

پست پست مدرن به مثابه بستری است که پدیده هایی چون دیجی مدرنیسم، متامدرنیسم، الترمدرنیسم، سوپر مدرنیسم و... در آن قرار می گیرند و در کنار هم به صورت پازل مانند، تکه های این پلتفرم را تشکیل می دهند.

برای تبیین معنی و کاربست های پست پست مدرن، دیوید هاکنی (۱۹۳۷) و آثار هنری او بر روی آی پد مثال های خوبی هستند. نقاشی های هاکنی بر روی آی پد و انتشار آن در سایت گاردین به صورت آنلاین به عنوان اثری اصل و اورجینال، توسط میلیون ها نفر به صورت رایگان دیده شد. در واقع هاکنی به عنوان هنرمند پیشرو در نقاشی بر روی آی پد و آیفون شناخته می شود. عکاسی، از زمان دیجیتال شدن در بازارهای آنلاین سر و صدا به پا می کند و برای هنر نقش چشم گیری با اختراعاتی چون اینستاگرام بازی می کند. از نظر والی، نقاشی نمرده است، بلکه با رسانه ی جدیدی شکل تازه ای گرفته و از همیشه قابل دسترس تر است. بنابراین لازم است سازمان های رسمی هنری به دیجیتالیسم اهمیت بدهند و آن را به عنوان جنبش انقلابی و برجسته ی دوران معاصر مورد تأیید قرار بدهد. حتی می توان گفت حراجی هنرهای دیجیتال و مقوله ی هنر دیجیتال بر روی سایت ای بی پی سند زنده ای است بر تأثیر گسترده ی دیجیتال بر روی هنرمند و اثر او و نیز به نوعی سلیقه ی عوام را نشان می دهد.

لوپز و پاتر از هزاره ی سوم این گونه یاد می کنند که امروز، بهترین روزگار و بدترین روزگار است، دوران تجلیل از تنوع است، روزگار ترس از دیگری است، همان که متفاوت است. عصر شگفتی تکنولوژی و ترس و بی اعتمادی به علم است. روزگار وفور نعمت، فقر مهلک است. زمان دل تنگی برای گذشته و شور و شوق نسبت به زمان حال است، روزگار خوش بینی و امید به احتمالات بشر از آزادی و شادی و نیز بدبینی ترسناک و ترس از آینده مان است. روزگار موفقیت عظیم عقلانی و نیز آگاهی عمیق به محدودیت های شدیدی است که در شرایط تولید علمی و عقلانی امری ذاتی است. سالی است که به بسیاری از سال ها شبیه است اما با این وجود بر خلاف سال های ماقبل این سال است. سال دو هزار است، دروازه ی ورود به هزاره ی جدید و زمان مناسبی برای مکث کردن و در نتیجه تلاش برای ارزیابی مجدد نقش خرد، فلسفه و علوم است.

در شرایطی که نقشه ی کره جهان، نمایشگر کلیت بیان ناپذیر از جهان است، اینترنت به عنوان یک نقشه ی ما بعد پست مدرن، خودش کلیت را شامل می شود که جانشین جهان واقعی می گردد. جهان واقعی به سمت جهان شبیه سازی شده ای از کلیت اینترنت پست سر گذاشته می شود، جهان شفاف و بی واسطه ای که به طور کامل قابل ادراک و احاطه کردن است.

نیکولاس بور یاد نظریه پرداز فرهنگی معاصر نیز کامپیوتری شدن هنر را تأیید می کند و مدعی است که بسیاری از هنرمندان معاصر با برنامه نویسان کامپیوتری یا DJ ها قابل مقایسه هستند. در واقع، این هنرمندان تولیدات فرهنگی از قبل موجود را می گیرند و آنها را از نو میکس می کنند تا معانی فرهنگی جدیدی را به وجود آورند و یا برنامه ی جدیدی را از نو می نویسند.

همان طور که آلن کیربی می گوید جهان تغییر کرده است و تئوری (نظریه) نیز باید با آن تغییر یابد. نظریه ای که نو و به روزگار معاصر مربوط باشد و رنگ کهنگی و مردگی بر سیمای اندیشه ی آن جلوه نکند. چرا که نظریات پست مدرنی برای بیان تغییرات عصر حاضر پاسخ گو نیستند. لذا این کیربی با طرح نظریه ی دیجی مدرنیسم تلاش می کند گوشه هایی از این تغییرات را در قالب این نظریه و ایسم جدید شرح و بسط بدهد. این عصر به دوره ی فوتوشاپیسم آسان نیز شهرت یافته است که در آن فیلم ها تحت برنامه ی فتوشاپ با گرافیک های ماهرانه ی

کامپیوتری که برای بازنمایی روایی به کار می‌رود به مرحله‌ی تولید می‌رسند.

بنابراین ویژگی بارز پست پست مدرن و پازل‌های درونی آن، ارتباط بین دسترسی آسان در سایه‌ی اینترنت و دیجیتالی شدن و افراط است. ارتباطی که بر تکنولوژی دیجیتال تکیه دارد. به نظر می‌رسد دسترسی فوری، دائمی و جهان شمول به همه چیز به طور مجازی، آمال پسا- پست مدرن و بیش از پیش واقعیت روزمره‌ی ماست. توانایی واقعی و خیالی برای ارتباط برقرار کردن با رسانه‌ها و شبکه‌های اطلاعاتی، یا با همدیگر، به نوآوری و اختراعات در زمینه‌ی خدمات و ابزارهای تکنو فرهنگی منجر شد. در نتیجه، اینترنت هم اشتیاق ما به دسترسی را برآورده می‌کند و هم آن را بیشتر می‌کند. ما بیش از پیش به موسیقی، رادیو، فیلم و برنامه‌های آنلاین تلویزیونی دسترسی داریم؛ ما بیش از گذشته، پایان‌نامه‌ها را با استفاده از ابزارهای الکترونیکی می‌خوانیم که تعدادشان رو به افزایش است مثل آمازون، کیندل و آی پاد. ژورنال‌های رایگان و در دسترس، در حال گسترش هستند: دسترسی به مقالات علمی به وسیله سرویس‌های پایگاه داده‌ای مثل می‌وز یا جسترآسان شده‌است؛ نشریات و روزنامه‌های عامه‌پسند به صورت آنلاین قابل دسترسی هستند. منابع یادگیری و تعلیمی بیشماری به آسانی در اینترنت پیدا می‌شوند. بدین ترتیب، اینترنت به خوبی دسترسی به فعالیت‌های روزمره، تفکرات و آمال میلیون‌ها کاربر فیس‌بوک، بلاگ‌ها و توییتر را ارائه می‌کند. در واقع باید گفت که امروزه کل دانش بشری و کل جهان به لطف اینترنت حول سرانگشتان انسان می‌چرخد.

مسلم است که تغییرات وسیع فرهنگی و اجتماعی در دو دهه‌ی گذشته با رسانه‌های دیجیتال نسبت داشته است. ورود اینترنت و شبکه جهانی و تأثیرات آنها را به عنوان نقطه‌ی آغاز در تغییرات عمیق اجتماعی و فرهنگی می‌دانند. در واقع باید گفت که اینترنت کل فضای عمومی و خصوصی بشر را تغییر داده است. بنابراین جهان رسانه‌های امروزی، به واقع نسخه‌ی پیشرفته‌ای از فرهنگ رسانه‌ای قرن بیستم نیست، بلکه ساختار کاملاً متمایزی دارد. امروزه، بیش از هر زمانی، جدا کردن فرهنگ از تکنولوژی غیر ممکن است چون همه ابعاد زندگی بشر با شبکه‌های رسانه‌ای در هم تنیده‌است.

پیشینه تحقیق

سلطانی فلاح و باقری دادوکلائی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان گذار از پست مدرن به دیجی مدرن با تکیه بر نظریه آلن کربی به این نتیجه رسیده‌اند که امروزه دیجیتال یکی از واژه‌های بسیار معمول و آشنایی است که همه ما به نحوی با آن درگیر بوده و تأثیرات گوناگونی بر جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان از جمله تعلیم و تربیت بر جای گذاشته‌است. این پروژه با هدف تبیین مبانی نظری دیجی مدرنیسم به عنوان پارادایم نو که پس از پست مدرن متولد شد و همچنین بیان دلالت‌های تربیتی آن صورت گرفته است. روش پژوهش حاضر، به روش توصیفی و تحلیل مفهوم انجام می‌شود از آنجا که در تحقیق حاضر، نوع داده‌ها غیر آماری است، لذا روش گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد علارغم اینکه دیجی مدرنیسم از لحاظ تاریخی پس از پست مدرن قرار می‌گیرد لکن از منظر شناختی، مفهومی است که ما بین مدرنیته و پست مدرن در نوسان است. همچنین می‌توان نتیجه گرفت که فصل مشترک تمامی دلالت‌های تربیتی دیجی مدرنیسم مبتنی بر دیجیتال می‌باشد و رویکرد دیجی مدرنیسم در تلاش است تا آموزش سنتی را کنار گذاشته و آموزش و یادگیری مبتنی بر دیجیتال را جایگزین روش سنتی کند. در این پژوهش به سامانه آموزش در عصر دیجیتال، انواع کلاس در رویکرد دیجی مدرنیسم، یادگیری در دیجی مدرنیسم، آموزش در دیجی مدرنیسم و روش‌های تدریس در این رویکرد پرداخته و بررسی شده‌است.

سلطانی فلاح و باقری دادوکلائی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان دیجی مدرنیسم و تعلیم و تربیت: تحلیلی بر رویکرد دیجی مدرنیسم و تأثیر آن بر تعلیم و تربیت به این نتیجه رسیده‌اند که امروزه دیجیتال یکی از واژه‌های بسیار معمول و آشنایی است که همه ما به نحوی با آن درگیر بوده و تأثیرات گوناگونی بر جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان از جمله تعلیم و تربیت بر جای گذاشته‌است. این پروژه با هدف تبیین مبانی نظری دیجی مدرنیسم به عنوان پارادایم نو که پس از پست مدرن متولد شد و همچنین بیان دلالت‌های تربیتی آن صورت گرفته است. روش پژوهش حاضر، به روش توصیفی و تحلیل مفهوم انجام می‌شود که ابتدا با تبیین مفاهیم دیجی مدرنیستی و سپس با تحلیل

رسیده است که در عصر جدید دیگر هویت‌های فردی نمی‌توانند پاسخ‌گو باشند بلکه باید به هویت جهانی و دیجیتالی اندیشید پس در هزاره سوم باید سیاستگذاران باورهای خود را به سمت تئوری‌های جدیدی بگشایند که متناسب این عصر و خصوصیات آن باشد، از جمله این تئوری‌ها و رویکردها همان طور که ذکر شده مدیریت دانش در طرح آموزشی، رهبری تکنولوژی و آموزشی، اقتصاد و پست-پست مدرن است، اگر در سیاستگذاری آموزش و پرورش به تئوری‌ها و رویکردها و یا دارایی‌های جدید اتکاء شود برنامه‌هایی طراحی می‌شود که متناسب با نیاز افراد فرا پیچیده (از جمله زنان) در عصر نتوکرسی خواهد بود و طبیعی است که تجلی سیاست‌ها در برنامه‌ها ظاهر می‌شود.

هنر و فن آوری (گذشته و حال)

از دوران‌های کهن، و شاید بتوان گفت از سحرگاه تاریخ و تمدن، پیوندی ناگسستنی میان هنر و علوم وجود داشته است. هنرمندان و دانشمندان در ارائه دلایل و نشانه‌ها و ایجاد ارتباط بصری، همکاری نزدیک داشته‌اند و در دانش و هنر به چشم دو امر تفکیک‌ناپذیر نگاه کرده‌اند. از دوران پارینه سنگی، علم در شکل دادن به معماری نقش داشته است. اصول و مبانی ریاضی در طراحی و معادل و تناسب‌ها به کار گرفته شده‌اند. هنرمندان و دانشمندان با یافته‌های خود به یک سان بر فرهنگ بصری تأثیر گذاشته‌اند و به همین اعتبار برخی از فرهنگ‌ها، هنر را گونه‌ای از دانش و آگاهی معنی کرده‌اند. (قره‌باغی، ۱۳۸۲)

رابطه‌ی میان فن آوری و فرهنگ بصری چیز تازه‌ای نیست. اولین کسی که تبر عصر حجر را برای درست کردن یک شیء سنگی به کار گرفت، یک فن آوری ابتدایی را به کار برد. همه‌ی هنرها - احتمالاً غیر از ادراکی‌ها - به فن آوری از انواع گوناگون و با درجات پیچیدگی مختلف وابسته‌اند. فن آوری در عرصه‌ی همه‌ی گروه‌های فرهنگی در سراسر جهان گسترده است و زیربنای کل تکامل فرهنگ بصری را از نقاشی‌های غارهای پیش از تاریخ گرفته تا آثار هنرمندان زنده‌ای چون لوری اندرسون، بیل ویولا و استلارک تشکیل می‌دهد. (کن، ۲۰۱۰).

مفاهیم آن به اخذ دلالت‌های تربیتی دیجی مدرنیسم پرداخته می‌شود. از آنجا که در تحقیق حاضر، نوع داده‌ها غیر آماری است، لذا روش گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد علارغم اینکه دیجی مدرنیسم از لحاظ تاریخی پس از پست‌مدرن قرار می‌گیرد لکن از منظر شناختی، مفهومی است که ما بین مدرنیته و پست‌مدرن در نوسان است. همچنین می‌توان نتیجه گرفت که فصل مشترک تمامی دلالت‌های تربیتی دیجی مدرنیسم مبتنی بر دیجیتال می‌باشد و رویکرد دیجی مدرنیسم در تلاش است تا آموزش سنتی را کنار گذاشته و آموزش و یادگیری مبتنی بر دیجیتال را جایگزین روش سنتی کند. در این پژوهش به سامانه آموزش در عصر دیجیتال، انواع کلاس در رویکرد دیجی مدرنیسم، یادگیری در دیجی مدرنیسم، آموزش در دیجی مدرنیسم و روش‌های تدریس در این رویکرد پرداخته و بررسی شده‌است.

سلطانی فلاح و باقری دادوکلائی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان درآمدی تحلیلی بر تعلیم و تربیت پست‌مدرن و مسئله آموزش از راه دور به این نتیجه رسیده‌اند که پست‌مدرنیسم با پذیرش برابری همه فرهنگ‌ها درصدد است به تکرر فرهنگی از طریق تعلیم و تربیت دامن بزند. تعلیم و تربیت آرمانی از نظر پست‌مدرنیست‌ها تعلیم و تربیتی است که تاب تحمل شنیدن صداهای دیگر به‌جز صدای فرهنگ مسلط را داشته‌باشد. همچنین در بحث از آموزش از راه دور پست‌مدرنیسم مباحثی چون مخاطبان آموزش از دور، تدریس در آموزش از دور و نحوه پیدایش و ظهور آن بحث شد است. در نتیجه آموزش‌های نیمه حضوری و غیرحضوری با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات نه‌تنها مکمل آموزش‌های حضوری می‌باشد بلکه فرصت بی‌بدیلی را می‌تواند برای روز آمد نمودن محتوا و انعطاف بخشی به‌روش‌های یادگیری و یاددهی به ارمغان آورد. وجود چهار عامل «جهان در حال تغییر» «واقعیت‌های ناخوشایند» موجود در نظام رایج تحصیلی حضوری «نیاز روز افزون به آموزش مستقل» و همراهی و اقتضای عوامل پیرامونی آموزش مانند شرایط خانوادگی، شغلی و سرانجام «پیشرفت علوم و فنون» سبب شده‌است تا نوع شیوه نیاز به آموزش حضوری دگرگون شود.

رضایی کلانتری (۱۳۸۸) در پژوهشی تحت‌عنوان جایگاه هویت انسان به‌ویژه زنان در دنیای پست پست‌مدرنیسم به این نتیجه

هنرمندان و فن آوری

به‌استناد تاریخ، هنرمندان همیشه از نخستین کسانی بوده‌اند که از فرهنگ و تکنولوژی زمان خود بهره گرفته و آن را در کارهای خود بازتاب داده‌اند. بهره‌جویی لئونارد داوینچی از تکنولوژی و پژوهش‌های علمی در کار هنر و سودجویی‌های از اتاق تاریک و ارجاعات بی حساب هنرمندان قرن نوزدهم به عکس و عکاسی حکایت‌های است که سر دراز دارد. (قره‌باغی، ۱۳۸۲)

همه‌ی هنرمندان به فن آوری وابسته‌اند، اما میزان آن بسته به دوره و فرد فرق می‌کند. آشکار است که میان یک نقاش سال ۱۶۰۰ که تصاویرش را با رنگ، قلم‌مو و کرباس خلق می‌کرد و یک تیم فیلم‌ساز سال ۱۹۹۰ که به انبوهی از تجهیزات گران و پیچیده پیش از تولید، تدوین و ارائه‌ی یک فیلم سینمایی بزرگ نیاز دارند، تفاوت وجود دارد (البته در هر دوره‌ای، فن آوری‌های گوناگون برخی کهن و برخی مدرن وجود داشته‌اند و امتیاز یک رسانه‌ی جدید الزاماً به‌طور کامل جایگزین نمونه‌های قدیمی نمی‌شود). واکنش هنرمندان به رسانه‌های جدید به‌طور چشمگیری متفاوت است: وقتی عکاسی در دهه‌ی ۱۸۴۰ به وجود آمد، برخی نقاشان به آن به‌عنوان یک خاطره ساز بصری خوش آمد گفتند؛ در حالی که برخی دیگر گفتند که نقاشی مرده‌است. یکی از رشته‌های هنر در قرن بیستم که رابطه‌ی تنگاتنگی با فناوری و ماشین داشت، هنر جنبشی کینتیک^۱ بوده است (مانند مجسمه‌های فلزی که با کمک موتورهای الکتریکی حرکت می‌کردند). همچنین در دهه‌ی ۱۹۹۰، به‌ویژه در ایالات متحده، گرایش به هنری که در اصطلاح «فناورانه» یا «هنر فن» (تکنو آرت) گفته می‌شد، به وجود آمد. فن آوری پیش زمینه‌ی این هنر بود و آگاهانه سعی بر این داشت که از آخرین دستگاه‌ها و اختراعات بهره بگیرد. از آن جایی که اختراعات با صنعت‌ها و تجارت‌های بزرگ ارتباط داشتند، هنرمندان ناگزیر بودند به دنبال حمایت کنندگان مالی و فنی صاحبان صنعت و تجارت باشند (کن، ۲۰۱۰).

امروزه، هنرمندان بصری متعددی وجود دارند- برای مثال مارک پولین و استلارک که درگیری آنها با دستگاه‌ها بسیار تنگاتنگ است. استلارک یک هنرمند اجرا کار و فیلسوف آدم نمای

برجسته استرالیایی است که رابطه‌ی بدن را با فناوری در دو دهه به نمایش گذاشته‌است. او با بهره گیری از وسایلی چون اختراعات سازگار با موجود زنده، تحولات چند رسانه‌ها و نیز با به خطر انداختن بدن خود، کارش را ارائه کرده است. زمانی که استلارک بدن خود را از قلاب‌ها آویزان می‌کند و به این خاطر گوشت خود را برای آزمودن محدودیت‌ها فیزیکی بدن سوراخ می‌کند، از رویدادهای متعددی سخن می‌گوید.

"دست سوم روباتی" توانایی بدن را افزایش می‌دهد. این دست توسط سیگنال‌های (ای‌ام‌جی)^۲ از عضلات شکم و پا کنترل می‌شود. او از داخل شکم، روده و ریه‌های خود نیز با دست ساخته‌های مبنی روبات مجهز به چراغ و دوربین‌های آندوسکوپی، فیلم برداری کرده است. ریتم‌های داخلی مثل امواج مغزی و ضربان قلب با اتصال الکترودها و دیگر حسگرها به بدن که متصل به چراغ و صدا دستگاه‌های وی دیوئی دو سویه هستند، شکلی بیرونی می‌یابند. بزرگ نمایی می‌شوند. استلارک همچنین کاری کرده است که بتواند عضلاتش را با رایانه‌ای از پیش برنامه ریزی شده و توسط افراد دیگر تحریک کند تا بدین ترتیب برخی از حرکاتش غیر ارادی شوند. به عبارت دیگر او کنترل بدن خود را به یک ماشین و بیگانه‌ها واگذار کرده است و نیز از طریق اینترنت، این امکان فراهم شده‌است که بدن او توسط افرادی که بسیار دور از او زندگی می‌کنند، فعال شود. اگر بدن از طریق نظام‌های الکتریکی به روبات‌ها وصل باشد، توانایی عملیاتی آن چنان بیهوده می‌باید که فعالیت در فضا هم قابل اجرا خواهد بود.

اکثر مردم می‌اندیشند فن آوری باید کاربرد پسندتر و تطبیق یافته‌تر با نیازهای انسانی شود اما استلارک نگاه مخالف را بر می‌گزیند. او می‌اندیشد انسان‌ها باید تطبیق یابنده‌تر با ماشین هایشان گردند. استلارک معتقد است بدن انسان مهجور و بسیار محدود است، خصوصاً در رابطه با خواسته‌هایش برای سفر به فضا و بنابراین، تکامل باید به‌وسیله‌ی طراحی دوباره‌ی بدن ادامه یابد. آزمایش‌هایی شخصی او روزی را پیش گویی می‌کند که توانایی بدن با تجهیزات جنبی مکانیکی و اجزای جانشین ساختگی، و کوچک تقویت و اندام‌های فرسوده‌ی بدن با قطعات مکانیکی الکتریکی تعویض می‌شوند. اگر چنین شود، استلارک

رقم می‌زند. برخی از این تغییرات آن چنان تدریجی و آرام آرام رخ می‌دهند که کسی متوجه آنها نمی‌شود، اما برخی دیگر همچون سامانه دیجیتالی صاعقه وار حادث می‌شوند، چنانکه عملاً فرصت سازگاری با تغییر مورد نظر، تقریباً برای هیچ‌کس باقی نمی‌ماند. در عرصه رسانه‌های هنری، تغییرات، سبک، رویکرد، محتوا و هنرمندان یکدیگر را تحت الشعاع قرار می‌دهند.^۲ (گتسی، ۱۳۸۸)

رابطه هنر، فناوری و رسانه

در مقاله هایدگر تحت‌عنوان «منشأ یک اثر هنری» که مکرراً از آن نقل قول شده‌است، وی مشاهده می‌کند که یونانیان باستان واژه یکسان تخنه^۳ را هم برای هنر و هم برای صنعت به کار می‌برند، اما او، ما را بر حذر می‌دارد که مبدا به‌واسطه این ابهام دچار خطا شویم، چرا که تخنه تا حدی بر حالتی از دانستن دلالت می‌کند. این واژه ابداً بر انجام فعل ساختن دلالت نمی‌کند، بلکه به‌جای آن فرآیند تولید یک‌چیز مستتر در درون شیء را نشان می‌دهد. نوع انجام کار در یک (تکنیک)^۴ یک کنش خلاق است که حقیقت را از نهانگاه خود بیرون کشیده، آن را عریان می‌سازد و به این ترتیب، به زعم هایدگر، هنرمند روزنه یا شکافی ایجاد می‌نماید که از میان آن، حقیقت، نقاب از رخ بر می‌کشد. این تغییر یا میانجی‌گری در نزد هایدگر از اهمیت به سزایی برخوردار است، یعنی کسی که مطرح می‌کند که آنچه نمایانده می‌شود، اساساً از طریق اعطای شکل، شکل بخشی به ماده صورت می‌پذیرد که ظرفیت لازم جهت ایجاد شکاف در جهان را داراست و از این رهگذر، آشکار می‌سازد که جهان، مستعد پذیرش شکلی ژرف‌تر از تجلی و ظهور، یعنی خود «وجود» است. وظیفه هنر حفظ حقیقت از طریق نمایاندن آن است. «هنر همان تاریخ است و اصولاً پایه و اساس تاریخ را تشکیل می‌دهد و تاریخ ماهیت هنر مغرب زمین منطبق بر تغییر ماهیت حقیقت است.» هایدگر به ما یادآور می‌شود، آنچه که از بالاترین درجه اهمیت برخوردار است، کیفیت ابزارهای مورد استفاده نیست، بلکه کاری

دلیلی نمی‌بیند که انسان‌ها برای همیشه زندگی نکنند. استلارک می‌گوید برای سفر فضایی بلندمدت، گسترش دامنه‌ی زمانی بشر امری ضروری است. (گیروکس، ۲۰۰۳).

اثر استلارک یک حقیقت کلی را آشکار می‌کند: همه‌ی ما به‌طور جزئی ماشینی شده‌ایم؛ همه‌ی ما وابسته و در تعامل با ماشین‌هایی چون خودروها، خشک کننده‌های موی سر، تلفن‌های همراه، تنظیم کننده‌ی ضربان قلب و رایانه‌ها هستیم. قطعاً، مقدار زمانی که اکنون بچه‌ها در مقابل صفحه‌ی رایانه صرف می‌کنند، به یک دغدغه‌ی اجتماعی تبدیل شده‌است. هنرمندان و قطعاً غیر هنرمندان، اکنون می‌توانند از طیف گسترده‌ی و سایل کمک کننده‌ی فناوریانه بهره‌مند شوند: رایانه‌های شخصی، دوربین‌های شخصی، دستگاه‌های ویدئو، اسکرین‌ها (پوشگرها) و معادل‌های نرم افزاری مدرن قلم‌مو و بوم کرباسی یعنی فتوشاپ و فری هند. همچنین دستگاه‌ها را روز به‌روز بیشتر می‌توان به‌هم وصل کرد و با به کار برد، به‌نحوی که همگرایی رسانه‌ها قابل درک باشد. (هریس، ۱۹۹۵).

رسانه

رسانه مأخوذ از واژه لاتینی مدیوم^۱ است به‌معنای «آنچه که در میانه قرار دارد» و به این اعتبار، شاهد کاربرد عبارتی چون «دارای اندازه متوسط» و «رسانه شاد و فرح‌بخش» هستیم. کاربرد این واژه در وادی هنر حاکی از آن است که رسانه مابین آنچه که هنرمند انجام می‌دهد و آنچه که بیننده و یا مخاطب می‌بیند، متجلی است، مابین اندیشه و تحقق آن. اما بررسی و ملاحظه دقیق‌تر آشکار می‌سازد که این معادل از جامعیت کافی برخوردار نیست.

تغییرات عرصه رسانه‌ها کمی به تغییرات میدان کارزار می‌مانند. هر تغییری ظهور یک سازمان یا تشکیلات تازه، فرایندی نو، شماری از خواسته‌های تازه و مجموعه‌ای نوین از قوانین و مقررات را هم برای فرستنده و هم گیرنده، هنرمند و مخاطب او

1 Medium

۲ ماهیت مهارت در عصر حاضر هیچ شباهتی به ماهیت مهارت در عصر رنسانس ندارد. امروزه هنرمندان با محدودیت‌های کمتری در خصوص گزینش رسانه‌ها روبه‌رو هستند و معمولاً متناسب با بیان

یک اندیشه خاص در گستره رسانه‌ها به پیش می‌روند. (گتسی،

۱۳۸۸، ص ۲۵۲)

3 Techne

4 Technite

است که به کمک آنها صورت پذیرفته است. اثر هنری، یک رسانه را به کار می‌گیرد و خود اثر هنری نیز رسانه‌ای است برای تجربه زیباشناختی، هایدگر در مقاله خود، پیرامون فناوری چنین استدلال می‌کند که دو تعریف فناوری در ذیل بر یک چیز دلالت می‌کنند.

تعریف اول: فناوری وسیله‌ای است برای حصول به مقصود. تعریف دوم: فناوری یک فعالیت بشری است، رویکرد هایدگر نسبت به فناوری به واسطه این سوء ظن تعدیل می‌شود که کارکرد تسهیل فناوری نبایستی بر ما بی‌تأثیر باشد و اینکه ما نبایستی در دام فناوری گرفتار و رهین منتش شویم. کل فناوری در نزد هایدگر یک مسئله علیت است. اصل علیت در نزد یونانیان با تولید یا ایجاد چیزی مرتبط بود.

به همان ترتیب، هایدگر این نکته را مطرح می‌سازد که آفرینش چیزی عبارت است از بخشیدن شکلی به ماده که به نوعی در نهاد آن نهفته است، تو گویی، روح درونی خفته در بطن یک ماده آزاد می‌شود. در همان حال که چنین اندیشه‌ای ممکن است گنگ و مبهم به نظر بیاید، هایدگر بر لطافت درونی میانجی‌گری یونانیان باستان در تضاد با فناوری نوین تأکید می‌کند، که عملکردها و بیش از هر چیز تبعات آن خشونت‌بار هستند. از آنجایی که تخنه با دانش^۱ مرتبط است، فناوری، فرایند نمایاندن یا آشکارسازی آن دانش است. فناوری تجلی و وسیله حصول به تقدیر بشری است. اگرچه هایدگر نیز خود نگران این بود که فناوری به خاطر خودش مورد استفاده واقع شود و از این رهگذر، تقدیر یاد شده تیره و تار گردد. همان طور که جولیان یانگ مصرانه اظهار می‌دارد، صرف نظر از آنکه یونانیان با ویژگی‌هایی که هایدگر بدان‌ها نسبت داده است، وجود داشته‌اند یا خیر، در هر صورت زمینه‌ای را فراهم می‌کنند، در تضاد با آن چیزی که هایدگر به عنوان جنبه‌های ناخوشایند تحمیلی فناوری نوین تلقی می‌کند. هایدگر نیز همچون بسیاری از دیگر دانشمندان معاصرش، نسبت به خشونت فناوری نوین و بی‌خیالی و سبک سری مردم در ارتباط با آن مشکوک بود. بعدها مک لوهان با دل‌واپسی و اضطراب کمتری به مسئله نفوذ و تراوایی فناوری به درون سامانه‌های کنش‌ها و کارکرد افکارمان پرداخت. (گتسی، ۱۳۸۸)

مارشال مک لوهان (۸۰-۱۹۱۱) با تشخیص اینکه چرا ما خود را از یک سوء گیرندگان منفعل فناوری و از سوی دیگر فریبکاران فعال آن قلمداد می‌کنیم، تأملات هایدگر را از هاله ابهام به در آورد. نزدیک به دو سده پس از انتشار لائو کون اثر لسینگ، مک لوهان در پایان‌نامه خود تحت عنوان «رسانه‌ها بایستی در حکم ضامین بی وقفه و پیوسته فرایندهای گیرایی ما شمرده شوند و نه ابزارهای بیرونی و یا اضافی و زائد.

از استدلال مک لوهان همچنین می‌توان در توضیح شیوه‌ای تدریجی استفاده کرد که با توسل بدان، ما، خود را با رسانه‌های جدیدی مانند هنر دیداری (منظور فناوری تلویزیون و ضبط ویدیویی و استفاده از آن در اثر هنری است) سازگار می‌کنیم. هنگامی که در اواخر دهه ۱۹۹۰ هنر دیداری به یک رسانه رایج و شایع برای هنرمندان بدل شد، هنوز مخاطبان غیر حرفه‌ای از آن استقبال شایانی نمی‌کردند. یک دهه بعد از آن تاریخ، هر کس که دارای یک رایانه مناسب بود، از امکان دستیابی به نرم‌افزار مقدماتی ویرایش دیداری برخوردار شده بود. (اتینگهاوزن، ۱۳۸۸)

مک لوهان در یکی از پایان‌نامه‌های قدیمی‌تر خود تحت عنوان «فهم و درک رسانه‌ها» (۱۹۹۶) این‌طور مطرح ساخت که جهان ما از محرک‌هایی فناورانه تشکیل شده است که یا داغ هستند و یا خنک، استعاره‌هایی برگرفته از زبان خاص موسیقی جاز که پر سر و صدا و گوشخراش (داغ) را از مختصر و موجز چنان نسیم (خنک) متمایز می‌ساختند. تعریف بالا یا زیرین یعنی مملو از داده، داغ است، حال آنکه تعریف پایین یا زیرین خنک است. فیلم سینمایی داغ است، اما برنامه‌های تلویزیون خنک. رسانه‌های داغ به لحاظ مشارکت در سطح پایین و رسانه‌های خنک در سطح بالا قرار دارند. مثلاً تلفن‌ها همچون کتب خنک هستند. به زعم مک لوهان «هیچ رسانه‌ای به‌تنهایی دارای معنا یا حکمت وجودی نیست، بلکه در تعامل با رسانه‌های دیگر است که معنا می‌یابد. رسانه‌ها به واسطه فشاری که از سوی کاربران‌شان بدان‌ها وارد می‌شود، پیوسته در حال تغییر هستند. این فشار یا از روی تسلط و مهارت فوق‌العاده و یا از سر بی‌حوصلگی اعمال می‌شود و یا آنکه ممکن است ناشی از نوآوری رسانه دیگری باشد که نسبت بدان بیگانه و خارجی است. [واکمن سونی فرهنگ کاربرد هدفون را بنیان گذاشت که به آپیادها منجر شد که به نوبه خود واکمن

بر خواص و ویژگی‌های ذاتاً فیزیکی و احساسی آنها تعیین کرده بودند: پیکره تراشی دارای حضور فیزیکی است. در نقاشی، بعد فضا و کاربرد رنگ مطرح است. موسیقی شنیداری است. بنابراین، رسانه‌های نوین باید در حکم هر آن چیزی تلقی شوند که بیرون از حیطه «هنرهای زیبا» ی سنتی وجود دارند. یعنی آن‌طور که توسط متخصصان زیباشناسی سده هیجدهم و در چارچوب تقسیم بندی‌های وضع شده توسط فرهنگستان‌های فرانسه و انگلستان، تعریف شده بودند.

ما بیش از پیش به رسانه‌ها وابسته هستیم و سرعت تغییرات، ارزیابی و سنجش تعاریف کنونی رسانه‌ها را با شکاکیت سالم (بدون حب و بغض) الزامی می‌کند. در صورتی که از عکاسی به‌عنوان یک شکل هنری استفاده شود، دیگر رسانه‌ای نوین محسوب نمی‌شود. اما، اگر با رایانه پیاده شود، ممکن است بتوان آن را در حکم یک رسانه نوین قلمداد کرد، خصوصاً اگر با یک شکل غیر فیزیکی بر روی صفحه رایانه پخش شود (گتسی، ۱۳۸۸). در اواخر دهه ۱۹۹۰ هنر دیداری که در سال‌های دهه ۱۹۷۰ آغاز شده بود، در جرگه رسانه‌های نوین راه یافت. در برخی از حیطه‌ها هنوز با همین عنوان بدان اشاره می‌شود. اما در برخی دیگر، هنر دیداری با هنرهای زیبای سنتی، یکی شده است. پخش محض یا اولیه، کمتر در رده رسانه‌های نوین گنجانده می‌شود، حال آنکه پخش از طریق کانال‌های متعدد یعنی بیش از یک صفحه تلویزیون در حال پیوستن به جرگه رسانه‌های نوین است و تا اگر حس میانجی‌گری دیجیتال آشکارا منتقل شود، هنر دیداری ما، قطعاً یک رسانه نوین شمرده می‌شود. روی هم رفته می‌توان به شماری از ویژگی‌های ثابتی اشاره کرد که ظاهراً یکسان بوده و مشترک هستند.

۱. نخست آنکه، رسانه‌های نوین به‌نحوی از انح با رایانه‌ها مرتبط هستند.

۲. دیگر آنکه ترکیبی هستند مانند فیلم یعنی مأنوس‌ترین و متعارف‌ترین نمونه‌ای که در آن صدا، حرکت و تصویر ترکیب می‌شوند و یا به عبارت دیگر، آمیزه‌ای از مولفه‌های بی شماری در یک اثر واحد به‌شمار می‌آید.

را از سکه انداختند. سونی و نوکیا در واکنش بدان، تلفن‌های همراه چند رسانه‌ای را به بازار آوردند [همان منبع].

مک لوهان به‌عنوان فردی متبحر در بیان کلمات قصار و عبارت پردازی اظهار داشت که «ما در کهکشان گوتنبرگ می‌زیستیم، در پی اختراع ماشین چاپ، جهان ما، در مقیاسی تصاعدی دچار تحول شده است. با اکتشاف کریستف کلمب و ماژلان جهان منفجر شد و افق‌ها و گسترده‌های دیگری بدان افزوده شد. اما، با از راه رسیدن فناوری جهان از درون فرو پاشید و پوکید.» مک لوهان دستیابی حاصل از کاربرد تلفن و تلویزیون را مد نظر داشت، اما نمی‌توانست تخریب عظیمی که اینترنت به بار آورده است را پیش بینی نماید. از قرار و مدار گرفته تا خرید و فروش، امکاناتی که اینترنت در اختیار عموم می‌گذارد، تمامی ندارد. در عرصه هنر این بدان معناست که طیف مخاطبان بسیار وسیع و متنوع است و هنرمندان در جشنواره‌های رسانه‌های نوین و نمایشگاه‌هایی شرکت می‌کنند که آثارشان از طریق باند پهن (اینترنت) بدان‌ها ارسال می‌شود (گتسی، ۱۳۸۸).

رسانه‌های نوین

آرای مک لوهان از انقلابی دیجیتالی خبر می‌دادند که در دهه ۱۹۸۰ آغاز شد. بیان این حقیقت که رایانه‌ها در اوایل سده بیستم اختراع شدند، کفایت می‌کند. اما، هنگامی که صحبت از عصر دیجیتالی می‌شود، منظور زمانی است که فناوری وارد عرصه زندگی فردی و اجتماعی و همچنین زبان روزمره مان شد. آنچه ما اکنون تجربه می‌کنیم، صرفاً رسانه‌های داغ و سرد نیست بلکه آمیزه‌ای غنی از هر دو است. یعنی رسانه‌های داخل رسانه‌های دیگر: فیلم‌های سینمایی به‌شکل فایل‌های کوئیک تایم^۱ تا حد رسانه‌های سرد تنزل کرده‌اند، عکس‌های تلویزیونی بزرگ و داغ شده‌اند، نوشته‌ها همراه فیلم‌ها ظاهر می‌شوند، فونت‌ها با حروف چاپی زنده حرکت می‌کنند و تمامی این امکانات برای هر کس که کمی پول و حوصله داشته باشد، دسترس‌پذیر است (ایتگن، ۱۳۹۱).

اما در وهله نخست، چند نکته مهم راجع به اصطلاح رسانه نوین باید خاطر نشان شود. اگر به بحث لیسنگ و هگل باز گردیم، به یاد خواهیم آورد که آنها مرزبندی میان رسانه‌های گوناگون را بنا

۳. سومین ویژگی ثابت آن است که رسانه‌های نوین ناهنجار بوده و با تعاریف ارائه شده توسط السینگ و مک لوهان همخوانی ندارند. آنها به‌جز حس چشایی می‌توانند تمامی حواس را در بر گیرند. از آنجایی که رسانه‌های نوین می‌توانند در هیئت‌های مختلف و متعددی مثلاً یک سکانس تلویزیونی، مجموعه‌ای از نمایش‌ها در یک اتاق، بر روی یک مکان یاب متحدالشکل (یو آرال)^۱ و یا تلفن همراه ظاهر شوند، تقسیم‌بندی آنها به دو گروه داغ و خنک لوث می‌شود. و اگر تلویزیون از نظر مک لوهان خنک بود، پس ما باید تلویزیون‌های آخرین مدل و صفحه بزرگ را چگونه رده‌بندی کنیم؟ از این رو، رسانه‌های نوین یا آمیزه‌ای از رسانه‌هایی هستند و یا خط بطلانی بر تعاریف ارائه شده توسط لسینگ و هگل.

حتی پیش از برقراری ارتباط تنگاتنگ میان رسانه‌های نوین و فناوری‌های دیجیتالی، هنرمندان اواخر دهه ۱۹۶۰ مشغول کار بیرون از چارچوب یک راهبرد واحد بودند. پیکاسو در عرصه همه هنرهای سنتی به کمال رسیده بود، حال آنکه، بروس توماس (متولد ۱۹۴۱) که در حوزه رسانه‌ها فعالیت می‌کند تا همین چندی پیش، یک هنرمند تازه‌کار رسانه‌های نوین نامیده می‌شد. صرف‌نظر از رویکرد، عملکرد و یا رسانه، توماس یکی از نخستین افرادی بود که اندیشه نصب و راه اندازی را در حکم روشی برای اداره یا کنترل قلمروی حسی بیننده، جدی گرفت.

اثر توماس، نقطه مقابل تفکر پرهیزگاران و بی‌آلایش «حقیقت مواد» است که هنرمندانی چون هنری مور (۱۹۸۶-۱۸۹۸) و باربارا هیپورث (۱۹۰۳-۷۵) را در میان طرفداران سرسخت خود داشت و مبتنی بر آن، اتخاذ تصمیمات هنری نه در اختیار هنرمند بلکه در اختیار رسانه (اعم از چوب، گل و یا گچ) بود. با یک چنین اثری، شخص عملاً می‌تواند به‌گونه رسانه مورد استفاده در یک اثر هنری) رخنه کند. در مورد توماس، وی شخص را آن چنان به بیرون از مرزهای فیزیکی رسانه هدایت می‌کند، که تقدس آن (درساخته) مختل می‌شود.

۴. چهارمین ویژگی اما نه آخرین آنها، آن است که رسانه‌های نوین در بسامد بسیار بالایی از اثر غوطه وری برخوردار هستند،

بدین معنا که، بیننده بیش از آنکه اثر را تماشا کند، حس می‌کند که در حال تجربه جسمانی آن است. اگر اثر مورد نظر تعاملی باشد، [یعنی در برابر حرکت‌های بیننده از خود واکنش نشان دهد و یا آنکه توسط صدا یا موس^۲ کنترل شود] بیننده به یک کاربر بدل می‌شود. با رسانه‌های نوین، تنها عناصر مادی، فناوری (پروژکتورها و بلندگوها) و پیوندها (رایانه‌ها، پایانه‌ها) هستند که اثر مورد نظر را قابل دیدن و استفاده می‌اسازند. شخص همچنین نسبت به خود به‌عنوان یک شاهد مادی وقوف می‌یابد (تنهایی و یا محکومیت به‌تنهایی یکی از بزرگ‌ترین نقاط ضعف برخی از رسانه‌های نوینی است که فقط یک کاربر را می‌پذیرند).

در طی فرایند تبدیل شدن به یک کاربر، شخص از میان زنجیره و یا زنجیره‌هایی به پیش می‌رود و پس، جریان نگاه خیره گسسته می‌شود. به‌ندرت پیش می‌آید که دو نفر، دقیقاً یک‌چیز را ببینند و آنچه که دیده می‌شود، تقریبی، نامعین و فرضی است، همان طور که نظریه‌پرداز و متصدی موزه رسانه‌های نوین فنلاندی، ارکی هوتامو، توضیح می‌دهد: "نگاه خیره مجموعه‌ای است از مواضع موضوعی پیش نهاده شده که برای کاربر در ساختار کار تعبیه شده‌اند. در حالی که اینها ممکن است گزینه مرجع ما باشند، نمی‌توانند روش‌هایی که مطابق آنها اثر مورد نظر می‌تواند قرائت شود را تمام و کمال پیاده سازد."

افزون بر آن، همان طور که مارک هانسن توضیح می‌دهد، رسانه‌های نوین، نگاه خیره را دوباره به حرکات جسمانی تبدیل می‌کند. [تعامل به وجود می‌آورند] این هر دو متناوباً روی می‌دهند و یا به‌عبارت دیگر، در نوسان هستند. برای مثال، توجه کنید به همکاری مشترک مابین هنرمندان رسانه‌های نوین جفری شاو^۳، دنیس دل فاورو^۴ و پی‌تر وایبل^۵ در پروژه تی ویناریوم^۶، که در آن، بیننده مابین موزائیک پیچیده‌ای از تصاویر متحرک به هدایت می‌پردازد. بیننده و یا کاربر، باید تصاویر را آن‌طور که می‌پسندد با هم ترکیب کند. این به‌شکلی قهقراایی فوتوریستی است. اما، همچنین نشانگر نزدیکی اغراق آمیزی به حالات رؤیا است، تصاویری که به میان آورده می‌شوند و با همدیگر تصادم می‌کنند و در این میان، مفاهیمی که پریشان

4 Dennis Del Favero

5 Peter Weibl

6 T-visionarium

1 URL

2 Mouse

3 Jeffrey Shaw

افراد شرکت کننده در یک کلاس آنلاین شامل دانش آموزان و یک یا چند مدرس است. از این لحاظ کلاس آنلاین به دو دسته تقسیم می‌شوند. کلاس آنلاین بدون نظارت، کلاس آنلاین با نظارت.

کلاس آنلاین بدون نظارت

یک کلاس آنلاین همیشه نیاز به یک معلم فعال که بر دانش آموزان و فعالیت‌های آنها نظارت داشته‌باشند ندارد. در این صورت، دانش آموزان می‌توانند خودشان با سرعت خودشان یاد بگیرند و مربی تنها آنها را ارزیابی کند. گاهی اوقات هم کلاً هیچ مدرسی وجود ندارد. این نوع کلاس آنلاین، یک کلاس آنلاین بدون نظارت نامیده می‌شود که در آنها دانش آموزان با مواد آموزشی آماده شده و بدون کمک مدرس به یادگیری می‌پردازند، که اساساً یک دوره آموزش الکترونیکی خصوصی می‌باشند که ممکن است آزمون آنلاین خودکار داشته‌باشند. این مدل، رایج‌ترین کلاس آنلاین است که در آن، به دانش‌آموزان تنها یک پاورپوینت ارائه می‌شود که مطالعه کنند یا یک آموزش ویدیویی تماشا کنند. با این تفسیر، یوتیوب یک مجموعه وسیع از کلاس آنلاین است، حتی اگر به این نام شناخته نشود.

کلاس آنلاین با نظارت

نوع دوم کلاس آنلاین، کلاسی است که تحت نظارت و رهبری مدرس قرار دارد. این شکل کلاس به تعریف کلاس سنتی نزدیک‌تر است. در این نوع کلاس آنلاین، حداقل یک مدرس فعال وجود دارد و درس به‌صورت آنلاین و در تاریخ خاصی اجرا می‌شود، و دانش‌آموزان از طریق یک برنامه ویدئو کنفرانس در کلاس حضور دارند. در این مدل، دانش‌آموزان و معلمان می‌توانند واقعاً در کلاس درس تعامل داشته‌باشند و حضور فعال داشته‌باشند.

کلاس آنلاین "همگام" یا سنکرون نزدیک‌ترین نوع کلاس آنلاین به کلاس‌های سنتی است. اما از آن جایی که در یک کلاس آنلاین سنکرون لازم است که معلم از طریق چت با همه دانش‌آموزان ارتباط برقرار کند، تعداد دانش‌آموزان در کلاس آنلاین کمتر است.

یادگیری در پست- پست‌مدرنیسم

شده و در جهت‌های مختلف پخش شده و یا در بازپخش‌ی چند جانبه و بی‌کران، پرت شده‌اند. رسانه‌ها نقش به‌سزایی در خصوص سبک اثری که خلق می‌شود، ایفا می‌نمایند. (پل، ۱۳۸۷).

اقتصاد دیجیتال به‌عنوان یکی از ارکان و خروجی‌های انقلاب چهارم صنعتی، منجر به شکل‌گیری زنجیره ارزش جدیدی شده‌است که می‌تواند در تحقق اهداف توسعه‌ای و حل مشکلات اجتماعی-آن‌گونه که در اهداف توسعه پایدار سازمان ملل قید شده‌است- و در نهایت، ارتقا سطح نوآوری و بهره‌وری کشورها از طریق خروجی‌های اقتصادی و اجتماعی کمک کند. از منظر کسب و کار نیز، دیجیتالی شدن بنگاه‌ها و بازارها منجر به تولید محصولات و خدمات با کیفیت بالاتر و هزینه‌های پایین‌تر می‌شود.

تحقق اقتصاد دیجیتال و ارتقا سهم فناوری اطلاعات در اقتصاد کشور، اشتغال‌زایی و توسعه کسب و کارها، آینده‌پژوهی برای شرکت‌ها و فعالان تولید محتوای دیجیتال برای آشنایی با برنامه‌های بلندمدت کشورهای پیشرو در این صنعت، توسعه صادرات غیرنفتی از طریق تولید محتوای دیجیتال بر اساس نیاز بازارهای هدف صادراتی، افزایش بهره‌وری و ایجاد نوآوری در کسب و کارها و صنایع مختلف، آشنایی با پتانسیل‌ها (استعدادها و ایده‌ها) ی حوزه تولید محتوا جهت سرمایه‌گذاری، افزایش تولید، ارتقا کیفیت محصولات و خدمات دیجیتال مدرنیسم در تعلیم و تربیت در وهله اول راهی برای انعطاف بخشی به‌روش‌های نظام آموزشی و تغییر آگاهانه در فرایند یاددهی و یادگیری می‌باشد. و در وهله دوم تلاش می‌کند تا نظم تصنعی ایجاد شده بر مبنای جدایی حوزه تحصیلات را با کار و زندگی پایان دهد. و یادگیری مستقل و مادام‌العمر را سامان بخشد.

فاکتورهای مورد نیاز کلاس آنلاین

یک کلاس آنلاین به‌عنوان محیطی برای یادگیری طراحی می‌شود. کلاس آنلاین هم می‌تواند به‌گونه‌ای ساخته شود که صورت پیوسته دنبال شود و یا می‌تواند در طول دوره تعیین شده‌ای قابل دسترسی باشد.

انواع کلاس در پست-پست‌مدرن

زمانی که افراد در یک مکان حضور فیزیکی ندارند. ارتباط الکترونیکی تنها در روش غیر همزمان این مدل وجود دارد و بر عکس آنکه حضور است یعنی حضور تنها در هنگامی که انتقال اطلاعات به صورت چهره به چهره است وجود دارد.

یادگیری الکترونیکی ترکیبی / دوگانه، همزمان

این نوع یادگیری نیز ترکیبی است اما با این تفاوت که ترکیبی از روش چهره به چهره و هم زمان است. در این روش یادگیرنده و یاد دهنده هم در کلاس‌های حضوری و هم در کلاس‌های مجازی با یکدیگر ملاقات دارند به همین دلیل حضور در تمام مدت انتقال و ارائه محتوا وجود دارد و ملاقات‌ها در زمانی یکسان و با مشارکت یادگیرنده و یاد دهنده به انجام می‌رسد. ارتباط الکترونیکی نیز به شکلی گسترده و همزمان مورد استفاده است.

آموزش در پست- پست مدرنیسم

در دسته بندی دیگر، انواع آموزش مجازی از لحاظ وسیله‌ای که می‌تواند برای آن مناسب باشد عنوان می‌گردد.

آموزش بر اساس وب

آموزش مجازی در این روش به وسیله اینترنت صورت می‌گیرد. می‌توان گفت این روش متداول‌ترین و گسترده‌ترین روش است و سعی بر آن دارد که گرفتن آزمون و صدور مدرک نیز به صورت الکترونیکی و وب انجام شود.

کلاس‌های درس، گزارشات مربوط به درس‌ها، جزوات، اتاق‌های گفت و گو، پست الکترونیکی و... از جمله مواردیست که همگی بر روی وب ذخیره می‌شود. همچنین به دلیل انعطافی که در نحوه ارائه آموزش الکترونیک وجود دارد، می‌توان نوع آموزش را مطابق با خواسته‌ها و فعالیت‌های خود، شرایط و امکانات موجود و غیره... طراحی و مورد استفاده قرار داد. بنابراین شما می‌توانید در سیستم پیاده سازی شده خود دارای ویژگی‌های دلخواهی باشید.

آموزش به وسیله کامپیوتر

در آموزش مجازی به وسیله کامپیوتر نیازی به اتصال به اینترنت یا شبکه وجود ندارد (تنها در مواردی مانند آزمون‌ها از اینترنت استفاده می‌شود). در این روش یک واسطه الکترونیکی برای ذخیره سازی اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرد و کاربر به وسیله

این نوع از یادگیری همان شیوه خودخوان است. در این گونه یادگیری هیچ ارتباطی بین یادگیرنده و یاد دهنده وجود ندارد و یادگیرنده محتوای آموزشی را از طریق اطلاعاتی که از قبل تهیه شده‌اند دریافت می‌کند. در این نوع یادگیری اطلاعات در قالب‌هایی مثل CD و یا DVD ارائه می‌شوند.

یادگیری الکترونیکی چهره به چهره

در این روش یادگیرنده و یاد دهنده به طور فیزیکی بر سر کلاس حضور دارند، با این تفاوت که در این کلاس‌ها از ابزارهای یادگیری الکترونیکی نیز استفاده می‌شود مانند کلاس‌هایی که در آن از پاورپوینت، چند رسانه‌ای و ... برای انتقال محتوا استفاده می‌شود. در این روش ارتباط بین افراد در محیط کلاس است و یا اینکه از طریق تلفن صورت می‌پذیرد به همین دلیل در این روش ارتباط الکترونیکی وجود ندارد.

یادگیری الکترونیکی غیر همزمان

زمانی که یاد دهنده محتوا را جمع آوری می‌کند (انتقال محتوا) و یادگیرنده محتوا را به دست می‌آورد (دستیابی به محتوا) یک زمان تأخیری میان انتقال و دستیابی به محتوا وجود دارد به همین دلیل ارتباط الکترونیکی وجود دارد اما به طور غیر همزمان. در این روش افراد می‌توانند از طریق ابزارها و فناوری‌های گوناگون با یکدیگر به تعامل بپردازند. در این روش از فناوری‌هایی همچون پست الکترونیکی نیز استفاده می‌شود.

یادگیری الکترونیکی همزمان

در این روش که یاد دهنده و یادگیرنده در طول انتقال محتوا به صورت مجازی با یکدیگر ملاقات می‌کنند به همین دلیل حضور مجازی وجود دارد. هم چنین از تمامی فناوری‌ها اعم از صوت و تصویر زنده و پیام رسانی و سایر فناوری‌های به کار رفته در یادگیری الکترونیکی غیر همزمان استفاده می‌شود.

یادگیری الکترونیکی ترکیبی / دوگانه، غیر همزمان

این نوع از یادگیری الکترونیکی ترکیبی از یادگیری چهره به چهره و غیر هم زمان است. در این روش محتوا هم از طریق کلاس‌های حضوری بین یاد دهنده و یادگیرنده انتقال داده می‌شود و هم از طریق فناوری‌های یادگیری الکترونیکی

- استفاده از متون آموزشی به همراه صدای ضبط شده و یا موسیقی
 - استفاده از امکانات تفریحی به منظور عدم یکنواختی آموزش و خستگی
- کامپیوتر یا وسایلی که به منظور خواندن واسط الکترونیکی مورد استفاده قرار می گیرد، از آن استفاده می کند. (مانند استفاده از CD های آموزشی).

آموزش به وسیله و سایل الکترونیکی قابل حمل

در این روش از و سایل الکترونیکی قابل حمل مانند ipad و PDA و Tablet و PC ... استفاده می شود که قاعده‌تاً روش های محدود تری جهت آموزش با این وسیله ها وجود دارد.

آموزش به وسیله تلفن همراه

این روش جدید می تواند در گروه قبل جای داده شود، اما با توجه به افزایش تعداد دارندگان تلفن همراه، این روش را mlearning نامیدند و آن را در دسته جدایی قرار داده اند. اما استفاده از این روش نیاز به فراهم بودن شرایط مناسب زیر ساخت مخابراتی است. بسیاری از افراد جامعه، به خصوص در شهرهای بزرگ، مدت زمان زیادی در انتظار وسایل نقلیه یا در ترافیک و... صرف می کنند. مدتی باب شده بود که مردم برای استفاده مفید از این زمان، کتاب جهت مطالعه به همراه خود داشتند. البته پس از مدتی ضررهای آن هم عنوان شد مانند موردی که چشم پزشکان بر روی آن تأکید زیادی داشتند آنها معتقد بودند که "مطالعه در مسیرهای ناهموار، برای چشم ضرر دارد." اما امروزه با فایل هایی صوتی که به صورت دیجیتالی انتشار پیدا کرده اند، مطالعه و آموزش به صورت صوتی بیشتر باب است. با این وجود جالب است بدانید که "آموزشی که به وسیله چشم انجام می شود، کارایی بیشتری دارد." به همین منظور استفاده از وسایل تصویری و دیجیتالی می تواند به صورت بهتری در آموزش مؤثر باشد و در ادامه به چند نمونه آنکه جهت یادگیری بهتر طراحی شده اشاره می کنیم:

- استفاده از تصاویر متحرک، ثابت و یا فیلم به جای نوشته های آموزشی
- استفاده از اندازه های متفاوت برای نوشته ها با توجه به متون مورد مطالعه

آموزش به وسیله فایل های ویدئویی

این نوع از آموزش مجازی برای آموزش مهارت ها و یا آموزش های حرفه ای استفاده می شود. آموزش علاوه بر استفاده از ابزارهای آموزشی و فناوری آموزشی، مستلزم استفاده از عناصر دیگر نظیر: ارتباط متقابل (یادگیری تعاملی)، تخیل و ارائه بازخورد است. تدریس مجازی و یادگیری الکترونیکی با استفاده از عناصر مختلف باعث ایجاد عناصر جدید آموزشی می گردد و به این ترتیب فرآیند فراگیری را جذاب تر می کند. ایجاد جذابیت در یادگیری یکی از دلایل موفقیت آموزش های الکترونیکی است. در صورتیکه از عناصر جدید در سیستم های آموزش الکترونیکی استفاده نگردد، عملاً جذابیت های لازم برای آموزش را از دست داده ایم. برای موفقیت در آموزش الکترونیکی و تدریس مجازی می بایست نکات زیر مورد توجه قرار گیرد.

روش های تدریس در پست-پست مدرنیسم

شیوه تدریس در آموزش در اصل از اعتقاد به دانش معتبر درباره موضوعی گرفته شده است. ماهیت دانش بر این سؤال تأکید دارد: «آنچه را می دانیم چگونه دانسته ایم» یا چه چیزی ما را متقاعد می سازد که برخی چیزها «صحیح و درست اند» سؤالاتی از این نوع ماهیت معرفت شناختی دارند همان طور که هافر پنتریچ^۱ (۱۹۹۷) توضیح می دهد «معرفت شناسی شاخه ای از فلسفه است که با ماهیت دانش مرتبط است» (اسمیت و راگان، ۲۰۰۰). در حال حاضر دو رویکرد مهم معرفت شناسی در نظام های آموزشی دنیا «عینیت گرایی»^۲ و «نسبیت گرایی»^۳ می باشد (همان منبع).

عینیت گرایی و برداشت عینی و مطلق از دانش از مهم ترین آموزه های مدرنیسم، و زیربنای فلسفی مکاتب یادگیری رفتارگرایی است. که معتقد است واقعیت (دانش) خارج از ذهن فرد وجود دارد. حتی اگر به آن اعتقاد داشته باشد یا نداشته باشد.

کلاس‌های آموزش معمولی استفاده نمی‌شود و در آموزش‌های الکترونیکی، فراگیران با استفاده از این عناصر قادر به کنترل فرآیند آموزش، خواهند بود. به عنوان مثال، قابلیت تنظیم آهنگ آموزش توسط دانش‌پذیر یکی از دلایل مهم در رابطه با مؤثر بودن آموزش‌های الکترونیکی است.

یکی دیگر از عناصری که در تدریس مجازی استفاده می‌شود، برقراری ارتباط و تعامل متقابل با فراگیران است. میزان و نحوه ارتباط متقابل با فراگیران می‌تواند حالت ساده‌ای مثل کلیک کردن بر روی یک سؤال داشته باشد یا حالت پیشرفته تری مانند اجرای یک فایل انیمیشن باشد. استفاده از بازی‌های محاوره‌ای که پیام‌های آموزشی را بر اساس محتویات دوره آموزشی در اختیار فراگیران قرار می‌دهند، نیز از جمله روش‌های موجود برای ارتقا سطح کیفی آموزش‌های الکترونیکی و تدریس مجازی است. آموزش مجازی، از تجارب و تحقیقات به عمل آمده طی سی سال گذشته در امر آموزش استفاده نموده است. در تحقیقات انجام شده، به منظور ارتقای سطح کیفی آموزش و سرعت در انتقال آموزش، راهکارهای زیر توصیه شده است:

- استفاده از رنگ‌ها و ترکیبات خاص رنگ
- ترکیب تصاویر و کلمات
- ترکیب صدا، صوت، موزیک با تصاویر
- استفاده از چندین نوع عناصر اطلاعاتی آموزشی

پایان نامه محور

در این روش متون چاپی ترجیحاً خود آموز در اختیار فراگیر قرار می‌گیرد و کلاس‌ها به صورت محدود و هدایت شده برگزار می‌گردد. خدمات مشاوره تحصیلی تربیتی ارائه می‌گردد و نقش سازمان واسطه در این روش ساماندهی و برقراری تعامل مثبت یادگیرنده با یاد دهنده، متون چاپی، مشاور و سر انجام ارزشیابی مستمر و پایانی می‌باشد. (سبحانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۷).

دیداری و شنیداری

در این روش آموزشی علاوه بر متون چاپی خود آموز، کلاس‌های محدود و هدایت شده و خدمات مشاوره‌ای، انواع فیلم‌های VHS, VCD, CD و... در اختیار فراگیر قرار می‌گیرد. راهنمایان

نسبیت‌گرایی و برداشت نسبی از دانش نیز از مهم‌ترین آموزه‌های دیدگاه پست‌مدرن است. که معتقد است دانش ماهیت ذهنی و فردی دارد که با ادراک توافق و تعامل بر اساس قراردادهای اجتماعی ساخته می‌شود. نسبیت‌گرایی زیربنای فلسفی یادگیری ساختن‌گرایی می‌باشد (سیف، ۱۳۹۹). بنابراین تعریف می‌توان نتیجه گرفت مدرنیسم در آموزش و یادگیری نظام آموزش از دور دیدگاهی عینیت‌گرا دارد که معتقد است انتقال مؤثر دانش به فراگیر اهمیت اساسی دارد. همچنین پست‌مدرنیسم در آموزش یادگیری نظام آموزشی از راه دور دیدگاهی نسبی دارد که معتقد است دانش بر اساس گفتمان سازنده دانش بر اثر تعامل اجتماعی ساخته می‌شود.

ایجاد فیدبک‌های سریع

آموزش الکترونیک می‌بایست از روش‌هایی به منظور اخذ فیدبک سریع استفاده کند تا در صورت وجود اشکال و یا عدم موفقیت، سریعاً نسبت به برطرف نمودن آن اقدام نمایند. فیدبک‌های مربوطه می‌بایست در سریع‌ترین زمان ممکن اخذ گردند. آموزش در هر مرحله بر اساس مرحله قبل ایجاد می‌گردد. بنابراین تشخیص و اخذ فیدبک‌های فوری به تبیین درست مراحل متفاوت آموزشی کمک خواهد کرد. در صورت عدم موفقیت یک مرحله، مرحله بعدی آموزش توفیق چندان‌ی ایجاد نخواهد کرد.

ایجاد ارتباطات صمیمی با سایر دانش‌پذیران و مربی کلاس آنلاین

استفاده از اتاق‌های گفتگو، تالارهای مباحثه، پیام‌های فوری و پست الکترونیکی در ایجاد ارتباط متقابل با دانش‌پذیران الکترونیکی بسیار مؤثر و کارساز خواهد بود. همچنین ایجاد کمیته‌های آنلاین به طرز چشمگیری در عملکرد برنامه‌های آموزشی تأثیر خواهد داشت. آموزش‌های الکترونیکی به فراگیران این امکان را خواهد داد تا هر فرد با توجه به مسائل و توانایی خود، آهنگ یادگیری را خود مشخص نماید. در چنین مواردی، در صورتیکه یکی از دانش‌پذیرها به هر دلیلی، چند روزی از سیستم استفاده نکرده و از آموزش دور بوده است، پس از برطرف شدن مشکلات، مجدداً قادر به ادامه آموزش خواهد بود. دوره‌های آموزشی مبتنی بر آموزش الکترونیکی دارای عناصر قابل کنترلی است که توسط کاربران استفاده است. عناصر کنترلی فوق در

ایکس، و ارباب حلقه‌ها، و هفده کارتون از جمله شش توسط پیکسار و چهار مورد توسط آثار خیالی است.

آنها ویژگی‌های خاصی را در سطح محتوای خود به اشتراک می‌گذارند که می‌تواند به‌عنوان ویژگی داستان‌های کودکان در نظر گرفته شود، و از آنجایی که این دسته برای اولین بار در اواسط قرن نوزدهم پدیدار شده‌است، گرچه به‌دلایل مهمی که بعداً به آن باز خواهیم گشت، این دسته نه ضد آب است و نه تغییر ناپذیر. به‌طور گسترده، داستان‌های کودکان تمایل دارند که بر آنها تأکید یا تکیه کنند: مقدمه‌ای از تجربیات کودکان، به‌ویژه (اما نه تنها) هنگامی که کودک از پایداری ساختار یافته واحد خانواده عادت خود جدا شده و خود را بین نیمه استقلال و جانشینی محافظ و / یا راهنمایی چهره‌های جانشین و والدین قرار می‌دهد.

* برداشت پیش دموکراتیک از جامعه: حکایت‌های پادشاهان، ملکه‌ها، شاهزاده‌ها، شاهزاده‌خانم‌ها. از هوشیاران خود تعیین شده در خارج از نیروی پلیس فعالیت می‌کنند و برای یک دولت منتخب غیر قابل پاسخ هستند. "قهرمانان فوق‌العاده" یا "سوپرمن" کریپتو فاشیستی و زیر-نیچه؛

* به همین ترتیب، عاشقانه شدن آثار فیوژن اجتماعی ناپدید شده و خشونت‌آمیز (دایناسورها، شوالیه‌ها، دزدان دریایی، گاوچران‌ها) و باستانی‌ها به‌طور کلی (اسطوره‌ها، مومیایی‌ها).

* حالت‌های بصری داستان‌پردازی (کارتون، طنز، بازی‌های ویدئویی)؛ طرح سؤال از تولید مثل؛ عشق جنسی ممکن است مجاز باشد اما به‌شکل تصعید شده؛

* بخشی از دنیای کار.

* آمادگی آشکار و در عین حال ناهماهنگ برای انکار با کلیه قوانین شناخته شده طبیعت و علم (حیوانات بدون انسان، اختراع شده گونه‌ها، گونه‌های اختراع شده، بالستیک غیرممکن، مسافرت با سرعت سبک، موجودات دور از دسترس و غیره). و

* از کاهش علاقه به اعتقاد روانشناختی و به‌طور کلی در باطن است.

آموزشی نظارت خود را دارند نقش سازمان واسطه در این روش برقراری ارتباط پویا بین یاد دهنده و یادگیرنده، متون چاپی، مشاور، تشکیل گروه‌های مطالعاتی هم درس، تأمین محتوا، و پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی و در نهایت ارزشیابی پایانی و مستمر می‌باشد.

شبکه محور

تمایز باستانی بین نوشتارهای خلاقانه و انتقادی، که ناامیدانه مورد حمله پست‌مدرنیست‌ها و پسا ساختارگرایان از بارت تا بادریلارد قرار گرفته است، با بی هویتی ابدأ از بین رفته‌است:

فن آوری رایانه "متن" را بازسازی می‌کند، اما خود را در رابطه با "جهان" قرار می‌دهد. در نتیجه، این فصل می‌تواند، مثلاً، به فیلم‌هایی با وبلاگ درباره آنها در یک گرایش تاریخی مشترک ببینند. به دنبال خلاصه کردن برخی از تغییرات برجسته‌تر در ارتباط با دیجی مدرنیسم، این فصل می‌تواند به راحتی تا زمانی که کتاب در آن ظاهر می‌شود باشد. این بحث ممکن است در نتیجه گاهی به صورت مختصر به نظر برسد اما مانند یک پل واقعی، معنای کامل آن فقط ظهور می‌یابد. در سرزمین‌هایی که بین آن قرار دارد. این یک فصل یوحنا به معنای دوم است. از یک سوء، تحریکات مرگ فرهنگ عامه، گرفتگی "واقعی" ساختگی و ابرخودآگاهی، پرتوهای از متفکین در حال فروپاشی پسامدرنیسم است. با این حال، داستان دیگری، که توصیف ظهور زیبایی شناسی جدید است، نیز می‌توان به این نکته اشاره کرد: در رواج صفات داستان کودکان، هژمونی ظاهراً واقعی، گسترش جدیت و سرانجام چرخش به یک روایت بی‌پایان. حال و هوای اینجا دو برابر است: بین ناپدید شدن و تولد، فرسودگی و نوزادی. شگفت‌آورترین، شاید، سینمای محبوب آمریکایی و، با گسترش تقریباً ضروری، سینمای محبوب جهان به یک زیر دامنه داستان‌های کودکان تبدیل شده‌است. از نود فیلم که در سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۷ در لیست ده فیلم برتر فیلم برنده جهان مشاهده می‌شوند، چهل و یا دقیقاً نیمی از آنها داستان‌های کودکانه هستند. این چهار گروه در سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۴، شش مقام برتر در سال ۲۰۰۷، و هفت نفر از ده برتر در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ هستند. آنها شامل پنج قسمت هری پاتر، سه قسط هرکدام از ستارگان جنگ، دزدان دریایی کارائیب، مرد عنکبوتی، مردان

یک‌سویه هستند که اطلاعات را از یک منبع به تعداد زیادی گیرنده منتقل می‌کنند. این نوع فناوری‌ها برای انتقال اطلاعات مناسب هستند. در مقابل فناوری‌های دو سویه فرصت‌های یکسان ارتباطی بین همه مخاطبان فراهم می‌کنند. این فناوری‌ها شامل نامه‌های پستی، تلفن، ویدئو کنفرانس، پست الکترونیکی و سالن‌های بحث اینترنتی است. این فناوری‌ها نیز برای شفاف‌سازی، تشخیص مشکلات یادگیری، دریافت بازخورد دانشجو و استدلال مناسب هستند.

فناوری‌های همزمان و ناهمزمان

در فناوری همزمان لازم است همه مخاطبان در زمان مشخص و معینی با هم مشارکت کنند. ولی در فناوری‌های ناهمزمان مانند ویدئو، مطالب می‌تواند در هر زمانی که برای مخاطب مناسب باشد مورد استفاده قرار گیرد. در هر حال، فناوری‌های ناهمزمان انعطاف پذیری و راحتی را برای فراگیران و استادان فراهم می‌کند.

خود تنظیمی یادگیری در نظام آموزش

یادگیرندگان آموزش از دور در مقایسه با یادگیرندگان سنتی نیاز به سطح بالاتری از خود تنظیمی جهت نیل به موفقیت دارند. این امر نشان می‌دهد که اصول آموزش متمرکز به یادگیرنده - محوری مناسب‌تر از اصول آموزش‌های معلم محوری به یادگیرنده برای آموزش از دور است. شخصیت یادگیرنده، تعاملات و مشارکت یادگیرنده، مسئولیت‌های یادگیرنده، نقش مربی و راهبردهای یاددهی - یادگیری، یادگیرندگان از دور را ملزم به خود گردانی، انگیزش اعتماد به نفس و استفاده از توانایی‌های شناختی می‌کند (حسینی، ۱۳۹۵).

روشن است که خود تنظیمی فراگیر و تقویت آن در نظام آموزش از دور فقط به عهده فراگیر نمی‌باشد. مربوط به واحدهای درسی ارائه شده نیز می‌باشد. مربیان آموزش از دور باید مشارکت اولیه یادگیرندگان و پیشرفت شان را در حین یک درس و عملکردشان را کنترل نمایند. تا میزان به پایان رساندن برنامه درسی یادگیرندگان را افزایش دهند و آن دسته از یادگیرندگان را که در به پایان رساندن واحد درسی مشکل دارند را شناسایی نمایند (همان منبع).

در این روش آموزشی، علاوه بر واسطه‌های موجود در دو شیوه سابق، شبکه جهانی ارتباطات و اطلاعات به‌عنوان ابزار انتقال پیام مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ که به‌شکل همزمان و بر - خط و یا به‌طور ناهمزمان مطالب ارائه می‌شود و ارتباط دوجانبه با معلم و نیز ارتباط چند جانبه با دانش آموزان کلاس و حتی کار گروهی و همفکری مورد توجه قرار می‌گیرد.

نقش سازمان واسطه در این شیوه، پیچیده‌تر از قبل خواهد بود، یعنی علاوه بر وظایف فوق، مدیریت و سازماندهی شبکه ارتباطی چند سویه را توسط سایت آموزشی نیز بر عهده دارد.

بهره گیری از فناوری در تدریس، آموزش از دور

ابتدا لازم است پنج رسانه اولیه آموزشی را معرفی کنیم: (اسمیت و راگان، ۲۰۰۰)

ارتباط مستقیم رو در رو (حضوری)

نوشتار یک متن (شامل گرافیک و تصاویر ثابت)

صوت (آنالوگ)

تصویر (آنالوگ)

چند رسانه‌ای دیجیتالی

اساساً این پنج دسته بیان گر گروهی از سامانه‌های نمادی هستند که برای تغییر و ارسال دانش استفاده می‌شوند. البته به‌استثنای اولین رسانه، بقیه با فناوری‌های متفاوتی ارسال می‌شود. نوشتار با فناوری‌های چاپ، رایانه و تلویزیون در قالب زیرنویس انتشار می‌یابد. تصاویر ضبط شده روی نوارهای ویدئو و DVD می‌تواند به‌وسیله تلویزیون یا اینترنت انتشار یابد. چند رسانه‌ای‌های دیجیتالی نیز می‌تواند با اینترنت، ماهواره در قالب لوح‌های فشرده انتشار یابد.

فناوری‌های دو سویه و یک‌سویه

از نظر آموزشی، مهم‌ترین تمایز بین فناوری‌های (ارتباطی) یک‌سویه و دو سویه بودن آنها است. فناوری‌های یک‌سویه اطلاعات را از فرستنده به گیرنده منتقل می‌کنند و هیچ نوع تعاملی بین فرستنده و گیرنده ایجاد نمی‌کنند. پایان‌نامه، رادیو، تلویزیون، نوارهای کاست، لوح‌های فشرده همه جزء فناوری‌های

تروریستی به برج‌های دوقلو در سال ۲۰۰۱ آغاز می‌شود. هر دو مکتب در ریشه‌ی آغازین یکی هستند چون هر دو با ویرانی نمادهای معماری دوره‌ی خودشان در ارتباط هستند. اما دوره‌ی جدید پسا-پست‌مدرنیسم با ویژگی منحصر به خود شکل گرفت. این تولد، بر خلاف پست‌مدرنیسم، به‌طور کامل با ساختارهای دوره‌ی قبلی در تضاد نبود یا آن را رد نمی‌کرد و به نظر می‌رسید عصر جدید، دوره‌ی اصلاحات باشد تا دوران ساختارشکنی.

بنابراین قابل تأمل است اینکه گاهی اوقات مرگ یک دوره با حادثه‌ی بسیار دردناک و تأثیر گذار در آغاز عصر جدید مرتبط باشد. ترور شرورانه در یازده سپتامبر ۲۰۰۱ به نماد و نشان پسا پست‌مدرنیسم در آغاز هزاره‌ی سوم تبدیل شده‌است. همه دربار‌های این حادثه اسفبار به‌عنوان نقطه‌ی آغازین عصر جدید صحبت می‌کنند. آلن کیربی می‌گوید که پست‌مدرنیسم در زیر آوارهای برج‌های دوقلو مدفون شده‌است. بنابراین بعد از این ترور وحشتناک خیلی چیزها در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، زیبایی شناسی و تکنولوژی تغییر پیدا کرد. برخی از عناصر مدرنیستی که در دوره‌ی پست‌مدرنیسم ساخت شکنی شده‌بودند در هزاره‌ی جدید دوباره بازسازی شدند. به‌جای خرده روایت‌های عصر پست‌مدرنیسم، کلان روایت‌های جدیدی جایگزین شدند. این عناصر جایگزین، کاملاً متفاوت از روایت‌های مدرنیستی بودند؛ به‌عنوان مثال شبکه، گوگل، ژنوم^۴، بیونیک^۵، ارتباط نامحدود، پایگاه داده، افراط و دسترسی، و دی. ان. ای^۶ جزء کلان روایت‌های پست-پست‌مدرنیسم محسوب می‌شوند.

وقتی به تاریخچه آموزش غیرحضوری و دلایل به وجود آمدن آن نگاه می‌کنیم، به وضوح نقش این رویکرد آموزشی را در جوامع پیشرفته می‌بینیم و این خود گواهی است برای افزایش هر روزه تمایل به سمت آموزش مجازی و زیرساخت‌های آموزش الکترونیکی که نموداری صعودی دارد. امروزه در کشورهای مدرن آموزش از راه دور و ویدئو کنفرانس تحت وب بسیار متداول می‌باشد. آموزش غیرحضوری مزایای زیادی برای آموزشگاه‌ها، اساتید، دانش‌پذیران و سایر افراد فعال در صنعت آموزش کشور فراهم نموده‌است. آموزش از راه دور می‌تواند با

ویژگی‌های طراحی برنامه درسی برای ارتقا خود تنظیمی فراگیر می‌تواند در پی بالا بردن مشارکت و تعامل بین یادگیرندگان باشد (هولند، مور^۱، ۲۰۰۲) خاطرنشان کردند یادگیرندگان باید در نهایت خودشان مسئولیت یادگیری شان را به عهده گیرند شکست یادگیرندگان از دور در به عهده گرفتن مسئولیت به‌صورت کنترل مؤثر زمان ممکن است به عدم رضایت و پشیمانی منجر شود (رحمانی میمند، ۱۴۰۰).

نتیجه‌گیری و بحث

به هر حال روزگار پست‌مدرن به سر آمده است و هزاره‌ی سوم، گفتمان خود را می‌طلبد. حتی اگر فنون گفتمانی و نقد ایدئولوژیکی آن در قرن بیست و یکم همچنان جاری باشد. همان طور که در مورد مدرنیسم این امر صادق است و گفتمان مدرن در دوره‌ی پست‌مدرن حاکم بود. با این وجود، طبقه بندی‌های تاریخی ادبی مثل مدرنیسم و پست‌مدرنیسم تنها برچسب‌های ابتکاری و غیر مستدلی هستند که در تلاش برای نشان دادن تغییرات و پیوندهای فرهنگی به وجود می‌آیند. هاجتون با اشاره به نام اختصاصی برای هزاره‌ی جدید، اظهار می‌کند که دیجی مدرنیسم اصطلاح جدیدی مختص به خود را می‌طلبد، بنابراین بحث خود را با این تقاضا از خوانندگان پایان نامه به پایان می‌برد که نامی برای پست‌مدرن پیشنهاد بدهند تا بتوان قرن بیست و یک را با آن نام گذاری کرد.

از دیدگاه تری ایگلتون^۲ نیز شیوه‌ی تفکری به نام پست‌مدرنیسم، با اعلان جنگ معروف علیه ترور به پایان رسید. بدون شک ۱۱ سپتامبر نقطه‌ی عطف تاریخی برای ارجاع دادن است و بنابراین نشانه‌ی آبشخور مفیدی محسوب می‌شود. اما همان طور که بست و کلیر می‌گویند، دوره‌های تاریخی به‌روش نظام‌مند یا در لحظات مشخصی از زمان ظهور و سقوط نمی‌کنند.

پست‌مدرنیسم با اعلام مرگ معماری مدرن توسط چارلز جنکز^۳ (Charles Jenks) در تاریخ ۱۵ ژوئیه ۱۹۷۲ آغاز شد. اگر پست‌مدرنیسم با مرگ معماری مدرن شروع شد، به‌اعتقاد نظریه پردازان و پژوهشگران، پسا- پست‌مدرن با حمله‌ی

داده است، یادگیری است. نقش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در چرخه یادگیری بسیار اهمیت دارد. در یادگیری به شیوه سنتی، فرد مجبور که به‌طور مداوم بخواند و بنویسد و ارتباط تقریباً یک طرفه بود. اما با کارگیری فناوری اطلاعاتی و ارتباطی در یادگیری، فرد علاوه بر این مهارت‌های پایه نیازمند داشتن مهارت در استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی می‌باشد. یادگیری‌های مبتنی بر فناوری‌های نوین اطلاعاتی، با ایجاد تغییرات بنیادین در مفاهیم آموزش سنتی، توانسته است بسیاری از ناکارآمدی‌های نظام‌های آموزشی را رفع کرده و دگرگونی‌های اساسی را در آموزش به وجود آورد. با استفاده از دنیای مجازی در یادگیری، می‌توان به روش‌های نوین و کارآمدی از یادگیری دست‌یافت.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسنده بیان نشده است.

توجه به نیازهای افراد و مؤسسات مختلف به طرق مختلفی انجام پذیرد. افراد و آموزشگاه‌ها به دلایل متنوعی از بستر آموزش مجازی استفاده می‌کنند. اما آنچه در انتها برای تمام تصمیم گیرندگان اهمیت ویژه‌ای دارد تأثیر پیاده سازی بستر یادگیری الکترونیکی بر نرخ بازگشت سرمایه آن‌هاست. هر مزیتی که بتواند با حذف موارد غیرضروری در یک کسب و کار، به سهام‌داران آن در افزایش درآمد و حاشیه سود کمک کند از اولویت بالاتری برای پیاده سازی برخوردار است. هر چه این مزایا به‌صورت دوطرفه برای یاددهنده و یادگیرنده بیشتر باشد از شانس بیشتری نیز برای انتخاب برخوردار می‌شود.

یادگیری مبتنی بر فناوری نوین اطلاعاتی، با ایجاد تغییرات بنیادین در مفاهیم آموزش سنتی توانسته است بسیاری از ناکارآمدی‌های نظام‌های آموزشی را رفع کرده و دگرگونی‌های اساسی را در آموزش به وجود آورد. بنابراین یادگیری تنها به‌صورت حضوری انجام نمی‌گیرد. فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدت زمان کوتاهی که از پیدایش آن می‌گذرد توانسته است تغییرات فراوانی را در نحوه زندگی بشر به وجود آورد. یکی از زمینه‌هایی که سهم عمده‌ای از این تغییرات را به خود اختصاص

References

- Ahmadabadi Arani, N. Ahmadihayat, H & Sobhaninejad, M. (2017). Pathology of cyberspace in the field of new learnings and solutions based on the Holy Quran [Paper presentation]. 9th Conference of the Philosophy of Education Association of Iran, Iran (in Persian).
- Bob Bub, B. (2003) "post post modernism", www.Ezboard.com.P.I.htm
- Cahoone, L. E. (2005). From modernism to postmodernism: An anthology (A. Rashidian, Ed.; 4th ed.). Nashr-e Ney Publications. (in Persian)
- Can, S. (2010). Atitudes of pre-service teachers from the department of elemantary education towards the effects of material use on learning. The Turkish online journal of Education Technology, 9(2), 46-54.
- Costello, Diarmuid & Jonathan Vickery (2017) Art: Key contemporary thinkers. United Kingdom Oxford: Berg.
- Ettinghausen, R. (2009). Aesthetics and art criticism (Y. Azhand, Trans.). Moli Publications (in Persian).
- Geczy, A. (2009). Art as a medium, Honar Quarterly, (82), 17-24. (in Persian)
- Giroux, H.A. (2003). Public Pedagogy and Politics of Resistance: Note On a Critical Theory of Educational Struggle, Educational Philosophy and Theory
- Harris, J.J. (1995). Organizing and facilitating Telecollaborative projects, the compating teacher
- Hosseini, S. M. H. (2016). Developing a conceptual model for curriculum change based on chaos and complexity theories and evaluating the change in the elementary school

- curriculum of the country's education system based on this model [Unpublished doctoral dissertation]. Kharazmi University. (in Persian)
- Jencks, Charles A. (2019) *The Language of Postmodern Architecture*, New York: Rizzoli.
- Kirby, Alan. (2019). "The Death of Postmodernism." *Philosophy Now*. http://philosophynow.org/issues/11/The_Death_of_Postmodernism_And_Beyond. Accessed 21 February 2019.
- Mattox, J. (1995) "post modernism or post) post modernism, PP.1)5, www.jonmattox.com [www.post\)postmodernism.htm](http://www.post)postmodernism.htm) www.Ezboard.com.P.I.htm
- Mohseni, M. A. (2013). A study and critique of the postmodernist perspective on the education of values. *Islam and Educational Research*, 5(1), 25–52. (in Persian)
- Paul, C. (2008). Digital technologies as a tool. *Art Journal*, (75), 45–52.
- Qarebaghi, A. A. (2003). Digital art. *Golestaneh*, (53), 34–41. (in Persian)
- Rahmani Meymand, M. (2021). Postmodernism. *Journal of Contemporary Research in Science and Research*, 3(25), 112–129. (in Persian)
- Rezaei Kalantari, M. (2009). The place of human identity, especially women, in the post-postmodernist world. *Farhang Management Journal*, 3(6), 123–136. (in Persian)
- Seif, A. A. (2020). *Educational psychology*. Doran Publications. (in Persian)
- Shahinian, A. (2009) "What's a post) post modern world2" *NOV*(28)07 5:07am PP:1)3.
- Smith, P.L & Ragan, T.J. (2000). The impact of R.M. Gagne's work on instructional theory. In R.C. Richey (Ed.), *The legacy of Robert M. Gagne* (PP. 147-181). Syracuse, NY: ERIC Clearinghouse on Information & Technology.
- Soltanifalah, A. Bagheri Dadokolaei, M. (2022a). An analytical introduction to postmodern education and the issue of distance learning. *International Journal of Applied Educational Sciences*, 3(12), 1–15. (in Persian)
- Soltanifalah, A. Bagheri Dadokolaei, M. (2022b). Digi-modernism and a new evolution in the world's educational system: A review study of the educational implications of the digi-modernism approach [Paper presentation]. *International Conference on New Findings in Humanities*, Tehran, Iran (in Persian).
- Soltanifalah, A. Bagheri Dadokolaei, M. (2022c). Transition from postmodern to digi-modern based on Alan Kirby's theory [Paper presentation]. *3rd National Conference on Perspectives of Teaching and Learning in the Digital Age*, Arak, Iran. (in Persian)
- Tate, G. (2012). *Postmodern delusions* (M. Kalebbaan, Trans.). *Daftar-e Pajooresh-ha-ye Farhangi* (in Persian).